

## شاخص‌های موج دوم بیداری اسلامی

محمد رحیم عبوضی<sup>1</sup>

فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال بیست و یکم، شماره 3، پیاپی 83، پاییز 1399؛ صفحات 142-107

تاریخ پذیرش نهایی: 1399/10/10

تاریخ دریافت: 1399/09/10

### چکیده

«موج، بیداری و اسلامی» سه واژه‌ای هستند که چارچوب اصلی محور این پژوهش را از حیث مفهومی تشکیل می‌دهند. بنابراین در وهله اول باید بدانیم ماهیت و سرچشمه موج چیست؟ موج چه کارهایی انجام می‌دهد و از چه منابع قدرتی تأمین می‌شود؟ گام دوم آشنایی با مفهوم بیداری و گام سوم شناخت واژه اسلامی است. بنابراین منشأشناسی مفهومی این واژگان پیش‌درآمد این مفاهیم در تحلیل موج دوم در محیط پر تلاطم منطقه و جهان است.

نکته مهم دیگر اینکه اساس تحلیل حوادث و پدیده‌ها مبتنی بر مفهوم‌شناسی است. طبیعی است علوم انسانی به رویکردها و نگرش‌های افراد برمی‌گردد. اگر بخواهیم بیداری اسلامی گذشته را مفهوم‌سازی کنیم، باید از موج اول بیداری اسلامی تا موج دوم قائل به تحول مفهومی شویم. در مفهوم‌شناسی موج اول مسئله این بود که هیچ‌کس نمی‌دانست این تحول زائیده چگونه مفهومی است: بیداری اسلامی، بهار عربی یا ...؟ تفاوت واژه‌ها بدان علت بود که تحلیل درستی از آن پدیده وجود نداشت. در حوادث ۲۰۱۱ کسانی که نمی‌خواستند به این تحول رنگ و بوی اسلامی دهند اصطلاح «بهار عربی» را به کار بردند که نگاهی غیردینی با تحلیلی کاملاً اجتماعی داشت.

واژگان کلیدی

بیداری اسلامی، موج دوم، انقلاب اسلامی، گفتمان امام‌خامنه‌ای

جهان اسلام در قرن‌های اخیر برای احیای فرهنگ و تمدن اسلامی، به تحولی درونی از جنس بیداری اسلامی دست یافته، اما به علت اختلافات رویکردی و عقیدتی تا کنون نتوانسته است این حرکت احیاگری را در یک قالب کلی منسجم کند. با شکل‌گیری اندیشه احیاگرانه امام خمینی (ره) مسیری نوین برای روشنگری و ترسیم خودآگاهی مسلمانان فراهم شد که ثمره آن انقلاب اسلامی در ایران بود که توانست در چارچوب دستاوردهای خویش، قرائتی جدید از اسلام انقلابی در پاسخ به مطالبات جهان اسلام ارائه کند.

نکته حائز اهمیت این است که انقلاب اسلامی ایران در شرایطی به ظهور رسید که اندیشه‌های حاکم جهانی (کمونیسم و لیبرالیسم) فضایی به اندیشه‌های «غیر» برای عرض اندام نمی‌دادند و با اعمال فشار، جنگ و تحریم بر سرزمین‌های اسلامی، مانع شکل‌گیری امت واحده اسلامی و نشر و ارتقای آن می‌شدند. با این حال ارزش‌های اسلامی با به چالش کشیدن ارزش‌های به ظاهر آزادی‌خواهانه و سرشار از تبعیض و تناقض در فهم لیبرالیسم از انسان، زمینه بروز بیداری اسلامی را با دو شاخصه اتحاد و مشارکت فعال مردم در عرصه اجتماعی و سیاسی با تأکید بر سمت و سوی دینی آن ایجاد کردند. اگرچه تا ابتدای قرن بیست و یکم فضای اندیشه‌ای حاکم بر جهان پذیرای نقش بی‌بدیل لیبرالیسم غربی در عرصه جهانی بوده است، اما این تفکر با حضور اسلام در صحنه عمل و اندیشه انقلاب اسلامی با چالش جدی مواجه شده است.

بیداری اسلامی نهاد پنهان‌دورن آدمی را که با ارزش‌های لیبرالی و غیرالهی کم‌ارزش شده بود، به منبع عمیق مقاومت در منطقه و جهان تبدیل کرده است. نماد این مقاومت در عرصه عمل، گرایش به بیداری اسلامی است که اکنون در مقایسه با دهه گذشته، کشورهای بسیاری نظیر مصر، تونس، لیبی، بحرین، عربستان، اردن و یمن را درگیر کرده و به یک گفتمان جهانی تبدیل شده است که قابلیت تأمین هدف بلند احیای تمدن اسلامی را در جهان دارد. این هدف در گام دوم انقلاب اسلامی به عنوان یک چشم‌انداز اصلی برای جمهوری اسلامی تعریف شده است. پدیده بیداری اسلامی نه پدیده‌ای سطحی و غیرمانا، بلکه پدیده‌ای ماندگار، جریان‌دار و صاحب روند است که می‌توان آن را تحلیل و آینده را از منظر آن نگاه کرد. مسئله کنونی بیداری اسلامی ریشه در دو فضای زمانی و مکانی گذشته و آینده دارد. گذشته که موج اول بیداری است و آینده‌ای که موژ دوم نامیده می‌شود. در موژ اول فرآیند بیداری اسلامی، اسلام سیاسی به



عنوان ایدئولوژی مقاومت و مقابله با نظم سلطه بین‌المللی و به چالش کشیدن آن، درصدد برآمد سیستمی انقلابی با عنوان محور مقاومت ایجاد کند. این سیستم مبتنی بر ارزش‌های اسلامی ناشی از بازسازی هویت در جوامع اسلامی و حمایت از نظام حاکمیتی اسلامی و مبتنی بر آرای مردمی است. از مهم‌ترین شاخص‌های بیداری اسلامی در این موج می‌توان به خودباوری، محوریت اسلام، استقلال‌خواهی، استبداد و استعمارستیزی، مقابله با یکجانبه‌گرایی آمریکا، مقابله با دشمنان اسلام و مسلمین، حمایت از مستضعفین و به نمایش گذاشتن قدرت رهبری دینی اشاره کرد.

اما در موج دوم، روندهای بیداری اسلامی به دلیل پیش‌ران‌های متعدد و متنوعی که با به عرصه بازیگری منطقه‌ای گذاشته‌اند و عدم قطعیت‌های جدید، نیازمند پایش هستند. با توجه به آینده‌های پیش رو، روندها می‌توانند تحت تأثیر این پیش‌ران‌ها و فعال شدن عدم قطعیت‌ها، به رویدادهایی غافلگیرکننده تبدیل شوند. شرایط ورود به موج دوم بسیار حساس و راهبردی است؛ به گونه‌ای که روندها و تحولات بیداری اسلامی در موج اول در مسیر خود حدی از آگاهی سیاسی و خودباوری را بین مردم مسلمان منطقه به وجود آورده است.

#### چارچوب نظری

دکتر سهیل عنایت‌الله برای تحلیل پدیده‌ها چهار لایه را تحلیل می‌کند که به آن «تحلیل لایه‌ای» می‌گویند؛ به این مفهوم که برای تحلیل هر پدیده یک نماد وجود دارد: یکی، اوضاع یا وضعیت اجتماعی؛ دیگری، یک لایه عمیق‌تر از آن، گفتمان‌هایی که از آن حمایت می‌کنند و زیر آن، مفهومی به اسم اسطوره‌ها. اگر بهار عربی به عنوان یک پدیده را مانند یک کوه تصور کنیم، ما فقط قله را دیده‌ایم. قله نماد اعتراض‌ها و فریادهاست.

هر چه به لایه‌های عمیق‌تر می‌رویم، تحلیل ما عمیق‌تر می‌شود. برای مثال بی‌عدالتی اجتماعی در جوامع عربی بسیار دیده می‌شد. در واقع در همه کشورهایی که محل اعتراض بودند بی‌عدالتی، عدم قسط اجتماعی، دسترسی آزاد نداشتن به منابع قدرت، فساد حاکمیتی در فرهنگ، سیاست، اقتصاد و دسترسی کافی نداشتن به منابع مالی و ... وجود داشت. چنین بسترهای اجتماعی یا ساختارهای اجتماعی که نمادها را تولید می‌کنند، به لایه عمیق‌تری می‌پیوندند که گفتمان‌ها و جهان‌بینی‌ها هستند. به عبارت دیگر سلسله جهان‌بینی‌های ویژه‌ای از این انسجام اجتماعی برای براندازی حمایت می‌کنند. گفتمانی

اسلامی را هم می‌توان در این لایه مشاهده کرد.

در موج دوم بیداری، مفاهیم، گفتمان‌ها، شرایط اجتماعی و نمادها و اسطوره‌ها در معرض تغییر خواهند بود. برای مثال بیداری اسلامی تونس که ۱۰ سال پیش در آفریقا شروع و به اعتراضاتی کشیده شد، در موج دوم چقدر اسلامی مانده است و چقدر با بیداری نسبت دارد و اساساً جنس این کار چگونه است؟

در داخل کشور بر سر این مسئله که آیا بیداری اسلامی خوب است یا خیر، اختلافاتی وجود دارد. پس سؤال این است که در چه شرایطی بیداری اسلامی مطلوب جمهوری اسلامی است؟ آیا آنچه ما از بیداری اسلامی مراد می‌کنیم فقط به موضوع رژیم صهیونیستی و مبارزه با آمریکا و استکبار و امپریالیست معطوف می‌شود؟ در رژیم پهلوی، حکومت از گرایش اهل سنت به اسلام نگران بود و اجازه نمی‌داد اهل سنت به این سمت روی بیاورند و حتی حوزه علمیه داشته باشند.

در تحولات ۲۰۱۱، عراق محل تلاقی تفکر بیداری نبود، اما در حال حاضر بیداری در این کشور وجود دارد و باید دید ویژگی‌های این بیداری چیست؛ زیرا خاستگاه این بیداری متفاوت شده است و شاید دیگر براندازی نظام نباشد. امروز در موج جدید بیداری نوعی تعدیل در مفاهیم و معانی رخ داده است. امروز در نسل جدید و موج دوم کارآمدی از سوی نظام‌های موجود و اقدام رفاهی و دفاع از عدالت و قسط مورد اقبال است. حتی در بسیاری موارد شاید مهم نباشد که در قالب کدام معنای ارزشی این کارآمدی دیده شود. بنابراین خاستگاه مفهومی و گفتمانی، نمادها، شرایط اجتماعی و اسطوره‌ها در موج دوم در معرض تغییر است. این نکته را در نسل‌های جدید در جوامع اسلامی از جمله در عراق، الجزایر، سوریه و حتی عربستان می‌توان رصد کرد. بنابراین در موج دوم بیداری باید توجه کرد اسلام‌خواهی در سطح جهان، اگر به عنوان نسل جدید بیداری اسلامی دیده شود، در معرض تغییر در ماهیت و هویت و نماد است.

منظور از تغییر مفهوم چیست؟ این انقلاب مفهومی چه چیزی را به ما القا می‌کند؟ نشان می‌دهد نظرگاه ما باید عوض شود، تعاملات باید تغییر کند و راه‌حل‌های پیشنهادی باید تغییر کند. به نظر می‌رسد واژه‌هایی مانند «نرمش قهرمانانه»، «انعطاف» و بعضی کلیدواژه‌هایی که بیان رهبری نیز هست، می‌تواند در موج دوم بیداری اسلامی این مفهوم را هدایت کند. امروز می‌توانید با واژه‌هایی کاملاً دموکراتیک مانند واژه‌هایی که رهبری به کار می‌برند، به مسئله



فلسطین بپردازید. برای مثال می‌توانید از همه‌پرسی عمومی حمایت کنید؛ چون استفاده از همه‌پرسی و به کارگیری یک مکانیزم اجتماعی و مکانیزم مورد تفاهم و فهم عمومی که قالب افراد در حیطه مقاومت هم در آن قرار دارند، می‌تواند به شرایط بهتر و حذف رژیم‌های وابسته و غیرمردمی ختم شود. البته لازم است در کنار فهم از چیستی مفاهیم، بین نظام معنایی ما با دیگران مشترکاتی وجود داشته باشد، هرچند نکات افتراق هم وجود خواهد داشت. در واقع هر گاه گفتمانی تولید شود، مقابل آن نیز تولید می‌شود؛ چنان که گفتمان انقلاب اسلامی زمانی که متولد شد، ضد خود را نیز تولید کرد. پس ما باید با دیگران در حد مشترکات حرکت کنیم. باید مفاهیم مشترک را در نظر بگیریم و این آزادی و اختیار را به دیگرانی که در کل با ما احساس همسویی می‌کنند، بدهیم که در عرصه کنشگری با بیداری اسلامی حرکت کنند.

از منظر ماهیت و چیستی موج جدید بیداری اسلامی به طور مختصر به زمینه‌های بیداری که ریشه در ماهیت و چیستی موج‌های سابق بیداری اسلامی دارد، اشاره‌ای خواهد شد. در حقیقت جهان اسلام طی چند قرن اخیر شاهد موج‌ها و حرکت‌هایی بوده است که می‌توان از آنها به عنوان امواج بیداری اسلامی نام برد. برای مثال از همان زمانی که سرزمین‌های اسلامی مورد تهاجم نظامی و فرهنگی مغرب‌زمین قرار گرفتند و استعمار در همه اشکال خود، به فرهنگ و جامعه و سرزمین‌های اسلامی تجاوز کرد، بزرگان و متفکرانی در جهان اسلام ندای بیداری مشرق‌زمین و مسلمانان را سر دادند و در برابر برتری‌طلبی‌های فرهنگی و تمدنی جهان غرب و استعمارگران، مقاومت کردند. از خصوصیات این دوره می‌توان به بیداری و بازگشت به خویشتن و بازگشت به مبانی شریعت، ایستادگی در برابر جهان‌شمولی و سلطه‌طلبی ایدئولوژی تمدن غرب و مبارزات علیه استعمارگران و استبداد داخلی اشاره کرد. هدف اساسی و بنیادین این ایستادگی را باید طرد سلطه‌طلبی این جهان‌بینی و اثبات توانایی شریعت اسلامی برای حل چالش‌های حیات اجتماعی مسلمانان توصیف کرد. به عبارت بهتر، در این دوران وقتی استعمارگران غربی و نیز جهان‌بینی و تفکر و فرهنگ و ایدئولوژی غرب به سرزمین‌های اسلامی هجوم آورد، از نگاه اندیشمندان و متفکران مسلمان، این هجوم به نحوی بود که به هویت جهان اسلام ضربه می‌زد. به همین علت مسلمانان درصدد برآمدند از شخصیت، چیستی، هویت و استقلال فکری خود دفاع کنند.

پس از آن، شاهد مبارزات ضد استبدادی در برخی کشورهای مسلمان (از جمله ایران) بودیم. در این دوران مفاهیمی همچون حکومت مشروطه، آزادی، عدالت، قانون، حکومت

قانون، برابری و ... مطرح شدند. اگرچه این مفاهیم ریشه اسلامی هم دارند، اما تا حدود زیادی ناشی از تعامل با غرب هستند و روشنفکران سکولار و مذهبی آنها را وارد ادبیات سیاسی و مذهبی جهان اسلام کرده‌اند. در این مرحله، بیداری اسلامی در پی سامان بخشیدن به هویت خود بود و این کار را با نسبت‌سنجی این مفاهیم در مدرنیته و اسلام انجام داد.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، شاهد تغییر گفتمانی بیداری اسلامی به سمت نظامی دینی و اسلامی براساس احکام اسلامی بودیم. امواج این بیداری چنان منطقه و جهان اسلام و حتی جهان غرب را فرا گرفت که می‌توان ادعا کرد از آن پس، مناسبات دنیای اسلام و جهان غرب وارد مرحله‌ای تازه شد. در حقیقت بیداری اسلامی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، چه از نظر شکل و شیوه و چه از نظر محتوا و چه حتی از نظر وسعت و دامنه و گستره، قابل مقایسه با سابق نبوده است. بر این اساس ادعای نادرستی نیست اگر بگوییم پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بیشتر حرکات‌ها و جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام (اعم از شیعه و سنی) به نوعی وامدار انقلاب اسلامی بوده‌اند.

#### ادبیات بیداری اسلامی

پیش‌بینی و تجزیه و تحلیل نارضایتی‌ها، جنبش‌ها و انقلاب‌ها همواره مورد توجه حوزه‌های مختلف علوم انسانی به خصوص آینده‌پژوهی است. طبعاً پیش‌بینی درست وقایع و فهم و درک درست رویدادها می‌تواند کشورها و نظام‌های سیاسی را در مواجهه با بحران‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، به اتخاذ تصمیم‌ها و سیاست‌های درست و مناسب رهنمون سازد. چنانچه بحران‌ها و انقلاب‌ها به خوبی شناسایی و پیش‌بینی نشوند یا فهم درستی از تحرکات اجتماعی، منطقه‌ای و جهانی وجود نداشته باشد، طبعاً تصمیم‌ها و سیاست‌ها هم مناسب و متناسب نخواهد بود. مهم این است که در چنین شرایطی دولت‌ها بیشتر گرفتار خواهند شد و قدرت اعمال سیاست‌های هوشمندانه از آنها سلب می‌شود. به عبارتی برای مواجهه هوشمندانه مهم‌ترین روندهای تأثیرگذار بر آینده، درک زمینه‌ها و ماهیت بیداری اسلامی است.

آشنایی با ماهیت، زمینه‌ها و چیستی تحولات به ذهن‌های خلاق این امکان را می‌دهد تا در پرداخت تصویر روشن و خوش‌بینانه نسبت به آینده امت اسلامی که منطبق بر معرفت‌شناسی اسلامی و در راستای وعده‌های الهی در قرآن است، موفق‌تر عمل کنند. بر

این اساس فهم و درک وقایع آینده از اهمیت بسیاری برخوردار است. یکی از مسائلی که احتمال بروز پیامدهای آن در آینده بسیار زیاد است، حرکت‌ها و جنبش‌هایی هستند که با عنوان موج جدید بیداری اسلامی یا بهار عربی و ... شناخته می‌شوند. احتمال استمرار این حرکت‌ها که در ۱۰ سال گذشته در برخی کشورهای منطقه تکرار شده است، در آینده هم وجود دارد؛ زیرا در بسیاری از این کشورها، با وجود اعتراضات مختلف مردمی، هنوز اصلاحاتی متناسب با خواست و توقع مردم انجام نشده است و نارضایتی‌ها همچنان ادامه دارد و رفع نشده است. به خصوص در دهه‌های اخیر، موج جدید بیداری اسلامی با توجه به سرشت و فرهنگ مشترک و حس عدالت‌خواهی و برابری در نظام جهانی رشد پیدا کرده و متأثر از انقلاب اسلامی ایران نمود و ظهور عمیق‌تر و سریع‌تری داشته است.

انقلاب مردمی در ایران که مبانی و اصول فکری آن توسط رهبران انقلاب بنیان نهاده شد، موجب ایجاد نظریه‌های مختلفی شد که یکی از مهم‌ترین آنها نظریه بیداری اسلامی است. از نظر رهبر انقلاب، بازتاب انقلاب اسلامی در دنیای اسلام، متکی بر مبانی و شعائر اسلامی، دربردارنده قیام علیه رژیم‌های سرسپره و تهدید موجودیت رژیم غاصب صهیونیستی است. رهبر انقلاب، بیداری اسلامی در این مفهوم را از «حوادث بسیار مهم و تأثیرگذار و تاریخ‌ساز» می‌داند. مهم‌ترین رکن این نظریه، اسلامیت بود که در ماهیت، چیستی و زمینه‌های این نظریه مولد ساخت اندیشه انقلاب اسلامی بوده است.

بر اساس این نظریه، ماهیت جنبش‌ها و تحولات انقلابی کشورهای منطقه آموزه‌های اسلامی، رستاخیز جهانی اسلام بین ملت‌ها و هویت‌یابی جوامع اسلامی در برابر غرب بوده است. بر اساس نظریه بیداری اسلامی، بعد ایجابی تحولات انقلابی منطقه در باورهای توحیدی، استقلال، هویت‌یابی اسلامی، ظلم‌ستیزی، استکبارستیزی، صلح، عدالت و امنیت است که مؤلفه‌های ماهوی ماهیت و چیستی موج دوم بیداری اسلامی را تشکیل خواهند داد. اما پس از تحولات خونین پروژه آمریکایی - صهیونیستی داعش و تداوم ناامنی‌های موجود ناشی از حضور رژیم صهیونیست، بیشتر ماهیت موج جدید بیداری اسلامی به سمت صلح، عدالت و امنیت در جهان اسلام گرایش دارد. این مسئله مهم‌ترین تحول عمیق در موج جدید بیداری اسلامی است که در مسیر آن هر جنبش، دولت و بازیگری مقاومت کند، ناتوان خواهد بود؛ زیرا بیداری اسلامی به عنوان یک آگاهی جمعی

با تکیه بر اراده عمومی و متأثر از اسلام اصیل، با توجه به سه عنصر بنیادین و ماهوی، در تجربه تاریخی و ادوار مختلف همواره شناخته شده است:

۱. بازگشت به اسلام ناب و اصول اولیه مکتب اسلام و پیروی از تعالیم قرآن و سنت؛
۲. تأکید بر وحدت ملت‌های اسلامی به عنوان حلقه مفقوده، اصل فراموش شده و کلید فائق آمدن بر مشکلات و عقب ماندگی‌ها؛
۳. استکبارستیزی و مقابله با کفر و الحاد و طاغوت داخلی.

این سه عنصر و مؤلفه اصلی و اساسی موج بیداری اسلامی می‌تواند به عنوان سه عنصر اصلی و ثابت در کانون بیداری اسلامی جدید نیز در نظر گرفته شود. عناصر موج جدید بیداری، بیشتر از آنکه مبتنی بر خط‌مشی مسلحانه باشد، بر افکار و اندیشه‌های جهانی صلح، امنیت و عدالت با تأکید بر نوعی واقع‌بینی نسبت به تحولات جهانی و اشاعه فرهنگ اسلامی، بنیان گذاشته شده است. این موج به دنبال درنوردیدن مرزها و ایجاد حس مشترک برای خودسازی و باور به توانمند بودن و تلقین اعتماد به نفس بین همه بازیگران و ملت‌های جهان است. بنابراین با جهانی شدن پیام موج اول بیداری، حمایت از ماهیت و چیستی و زمینه‌های موج دوم نیازمند ساخت اندیشه برتر و قدرت تفکر از درک جهانی بیداری اسلامی برای تبدیل شدن به یک اجماع برای عدالت‌خواهی است. در نتیجه با شناخت دقیق زمینه‌ها و ماهیت و چیستی موج دوم می‌توان مسیر را برای پیش‌بینی آینده موج دوم بیداری اسلامی هموارتر کرد. در واقع با شناخت همه‌جانبه زمینه‌های تاریخی، سیاسی، اجتماعی، ماهیتی و اندیشه‌ای می‌توان چشم‌انداز موج دوم را بهتر به تصویر در آورد.

#### عوامل بیداری اسلامی

زمینه‌های سیاسی- اجتماعی میان کشورهای اسلامی از جمله وجود حاکمان سلطنتی مستبد، نبود نظام کارآمد سیاسی، مشکلات و بحران اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و... حرکت عظیمی را به وجود آورد؛ چنان که تشکیل نظام اسلامی در ایران و نتیجه‌بخشی این نظام، توانست اندیشه تمدن‌سازی را میان جوامع مطرح کند.

در خصوص زمینه‌های اندیشه‌ای و معنویت، حضور شخصیت‌های فکری اسلامی به عنوان نخبگان علمی - معنوی و سیاسی می‌تواند نقش برجسته‌ای در هدایت بیداری اسلامی داشته باشد. برای مثال وجود شخصیت‌هایی مانند سید جمال‌الدین اسدآبادی،



شرف‌الدین عاملی، اقبال لاهوری و محمد عبده موجب تقویت ریشه درخت بیداری شد؛ و با پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) با مطرح کردن عزت و کرامت انسان و وجود نظام اسلامی در حاکمیت، بیداری اسلامی را به صورت قیام و نهضت و سپس به صورت بنیان‌گذاری و مقاومت الگوسازی کرد. (افتخاری، ۱۳۹۱: ۵-۱۰)

#### چالش‌های مفهومی موج دوم بیداری اسلامی

بهار عربی، بیداری عربی، بیداری اسلامی و... معمولاً در تعریف، تحسین یا تحلیل تحولات منطقه مورد استفاده صاحب‌نظران قرار می‌گیرند؛ اما این مفاهیم برای بیان حضور همه بازیگران عرصه تحولات کافی نیستند؛ چنان‌که موقعیت آمریکا در فضای مفهوم‌سازی مغفول مانده است؛ در حالی که در موج دوم بیداری اسلامی، در تحلیل مفهومی، بدون وارد کردن آمریکا در جریان بازی سیاسی منطقه‌ای، تحلیل‌ها ناقص و ابتر خواهد بود. مفهوم «پاییز آمریکایی» نیز یکی از شاخص‌های موج جدید بیداری است که باید در ساختار نظام رقابتی منطقه‌ای دیده شود. این شاخص و ارتباط آن با سایر مفاهیم و شاخصه‌ها قطعاً آینده مسائل را دقیق‌تر آشکار می‌کند و موقعیت آینده آمریکا مشخص می‌شود.

در تبیین مفهوم بیداری اسلامی باید اشاره کرد بر پایه اعتقاد دینی و استناد قرآنی، خداوند در آیات مختلف قرآن کریم نسبت به آینده مؤمنان، مسلمانان و مستضعفان جهان وعده داده است. در آیه ۵۵ سوره مبارکه نور به صراحت می‌فرماید: «وعد الله الذین امنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض». همچنین در آیه ۱۳۷ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «و اورثنا القوم الذین کانوا یتستضعفون مشارق الأرض و مغاربها». این آیات و بسیاری آیات دیگر گواه این موضوع مهم هستند که آینده از آن مؤمنان است و اسلام دین آینده جهان است و در نهایت بندگان صالح وارث زمین می‌شوند. از این رو می‌توان به صراحت گفت بیداری اسلامی یک واقعیت انکارناپذیر است. رهبری معتقد است بیداری اسلامی نه یک پدیده نوظهور و دفعی و نه یک خیزش کور عربی است، بلکه این جنبش عظیم ریشه در نوع خاصی از گفتمان فکری جهان اسلام دارد.

با این بینش توحیدی اشاره خواهد شد مفاهیمی از سنخ بیداری اسلامی، بهار عربی و پاییز آمریکایی و... از ابتدای مطرح شدن بیشتر در مناطق محدودی که از مشترکات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برخوردار بودند، کاربرد داشتند و بر محور مناطق اسلامی تأکید داشتند و

کمر سمت و سوی آنها به مناطق دیگر جهان یا سایر کشورها متمرکز بود. اما در موج جدید، با توجه به ماهیت و زمینه‌های منطقه‌ای و جهانی، به همان دلایل قبلی این مفاهیم شاخص نیستند. پیش‌بینی می‌شود بیداری اسلامی به سایر نقاط جهان گسترش یابد و در قالب و شکل و ماهیت جدید فرازمانی و فرامکانی بازتولید شود. می‌توان گفت مفهوم بیداری دیگر در کاربرد منطقه‌ای و اسلامی محدود نیست بلکه جهان‌شمول شده است.

اما چالش‌های مفهومی در تجربه دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که باید در استفاده از مفاهیم برای نام‌گذاری یا تفسیر این حرکت‌ها، بیشتر احتیاط کرد. در ابتدای این حوادث که با اعتراضات مردم تونس و مصر همراه بود، نام بیداری اسلامی بر آن نهاده شد؛ اما برخی کشورهای درگیر یا رسانه‌های عربی و غربی، از تعبیر بهار عربی استفاده می‌کردند. این فقط یک واژه نیست و نباید تصور کرد که آنها با بیداری مخالف‌اند. زمانی که از بهار عربی استفاده می‌کنند، می‌خواهند بگویند نباید این پدیده را منحصر به اسلام کنید. می‌گویند ما جنبش اجتماعی جهان عرب هستیم. عرب‌ها غالباً مسلمان هستند؛ بنابراین مخالف‌اند که در این جنبش، اسلام‌خواهی به عنوان یکی از دال‌های مرکزی گفتمان بیداری تصور شود. اما به تدریج که دامنه اعتراضات به برخی دیگر از کشورها از جمله بحرین، یمن و لیبی سرایت کرد، از تعبیر بیداری اسلامی بیشتر استفاده شد. جنبش‌های اعتراضی این کشورها هم به گونه‌ای بود که با تعبیر بیداری اسلامی تا حدود زیادی مناسب بود. بنابراین باید در بازمهندسی این مفهوم، اصالت را به بیداری داد؛ به خصوص با این معنای موسعی که به لحاظ مفهوم و مفاهیم بنیادین در بیداری است. بیداری تحولی است حاصل‌دمیدن آگاهی و اراده در کالبد به خواب رفته انسان‌ها و جامعه، به منظور حرکت ارادی و آگاهانه جامعه در مسیر کمالات فطری انسان‌ها که نتیجه آن، احیا و بازیابی هویت فردی و جمعی، یعنی شناخت هویت جامعه‌ای است که در معرض تهدید یا دستکاری قرار گرفته است.

امروز هم به یک معنا می‌توان مقوله بیداری را میان همه ملت‌های جهان مشاهده کرد؛ اما با توجه به بیداری ملت‌ها، از جمله آنچه در آمریکا و سایر کشورهای غربی مشاهده می‌شود، نمی‌توان با عنوان یک واژه کاربردی بدون در نظر گرفتن سرعت و کیفیت رشد تحولات در جهان به طور معمول بر اساس تحلیل‌های موج اول آن را به کار برد. در برخی از این کشورهای اسلامی نیز به‌رغم برخی شعارهای اسلامی، موج بیداری تنها مبتنی بر خواست‌های دینی و مذهبی نبود، بلکه سیاسی و اجتماعی هم بود. بنابراین کاربرد این

مفهوم با چالش مواجه شد.

در تونس و مصر با وجود سر دادن شعارهای اسلامی یا فعالیت برخی جنبش‌های اسلامی همچون اخوان المسلمین، نمی‌توان با قاطعیت نام بیداری اسلامی بر آن نهاد؛ زیرا برخی سازمان‌ها و نهادهای دینی مثل الازهر چندان از آن حمایت نکردند. در یمن و بحرین می‌توان از بیداری اسلامی استفاده کرد، چون جنس اعتراضات و وجود برخی شباهت‌ها به سایر کشورها، سمت و سوی اسلامی و شیعی هم داشت و اتفاقاً همین مسئله هم باعث شد که حساسیت‌ها روی این دو کشور بیشتر شود و با سرکوب و مشکلات بیشتری نیز مواجه شوند. بنابراین به نظر می‌رسد در به کار بردن تعابیر برای حرکت‌های منطقه‌ای و جهانی، دقت بیشتری باید کرد. یکی از شاخص‌های مذهبی و اسلامی در این کشورها ترکیب جمعیتی است. البته شکی نیست که با توجه به ترکیب جمعیتی این کشورها و وجود سابقه مذهبی و اسلامی و ریشه‌های عربی و... بیشتر حرکت‌ها در این کشورها، به نوعی متأثر از مذهب و سنت خواهند بود؛ اما نمی‌توان با قاطعیت پیش‌بینی کرد جنس و علت اعتراضات در آینده همچنان یکدست و بدون چالش مفهومی باقی بماند.

خطر دیگری که تهدیدی بر کاربرد مفهومی بیداری اسلامی است استقرار حرکت‌هایی با نام بیداری اسلامی در چارچوب اسلام تکفیری و داعشی است که به این روندها هم باید توجه کرد. در مفهوم‌سازی آینده برخی مؤلفه‌ها وجود دارند که بر شکل‌گیری و جهت‌دهی حرکت‌های آینده بی‌تأثیر نخواهند بود و بیشتر در جهت تحقق اهدافی همچون آزادی، حقوق بشر، حقوق زنان، انتخابات، قانون اساسی، افزایش مشارکت سیاسی، احزاب و... خواهند بود. با این حال بیداری اسلامی که به صورت فرآیندی در گام دوم در حال پیمودن مسیر به سوی آینده است، دارای ریشه‌ها و مبانی فکری توحیدی-دینی در سطح منطقه و جهانی است. هر چند بیداری اسلامی در شعاع کشورهای عربی با شدت و ضعف ادامه دارد، ولی در پی اثبات نظام اسلامی در جهان امروز است. به اعتقاد صالحی «قیام‌های اخیر در کشورهای اسلامی بر اثر بحران‌های اجتماعی، مذهبی، سیاسی و اقتصادی، بستری برای اعتراضات و قیام به وجود آورده، اما به علت اسلام‌خواهی و بازگشت به عدالت اسلامی ماهیت بیداری اسلامی به خود گرفته و سرآغاز بیداری توده‌های مظلوم مسلمانان در سراسر جهان شده است. بنابراین سرمشق همه این نهضت‌ها را می‌توان در الگومندی نظام جمهوری اسلامی دانست. (صالحی، ۱۳۹۳: ۳)

- این الگومندی همان است که رهبری انقلاب اسلامی برای آن ویژگی‌های ذکر کرده‌اند:
- (الف) الگوهای رفتاری اعتراضات مانند راهپیمایی، اعتصاب و ...؛
- (ب) مضامین شعارها و مکان اعتراضات مانند مسجد و نماز جمعه؛
- (ج) مطالعات ضد استعماری و ظلم‌ستیزی؛
- (د) الگوگیری از نظام اسلامی بر پایه جمهوری اسلامی؛
- (هـ) اقبال عمومی همه مردم و نخبگان به اسلام‌خواهی؛
- (و) تشکیل جبهه مقاومت در منطقه بر اساس هویت اسلامی. (بیانیه گام دوم، ۱۳۹۷: ۱-۳)

#### «غیر» در جنبش بیداری اسلامی

تجربه موج اول بیداری و ارزیابی دستاوردها، افکار عمومی را متوجه افول شدید موقعیت و قدرت آمریکا می‌کند. در واقع فصل جدیدی برای آمریکا آغاز شده است که مجموعه ویژگی‌های فصل پاییز را در خود دارد. اصطلاح «پاییز آمریکایی» در تحلیل وضع موجود را نگارنده به کار برده است. پاییز فصل تغییر و دگرگونی طبیعت، زرد شدن و رنگ باختن برگ‌ها و رو به زوال رفتن و سقوط آنهاست. پاییز فصل ریزش برگ‌هاست نه رویش. فصل کوچ پرندگان است نه خیالی برای ماندن. فصل ورود به محیطی سرد و منجمد است و خبر از راه رسیدن زمستان سخت و دشوار را می‌دهد. پاییز فصل رویدادهای پیش‌بینی نشده طبیعت است که طبیعت را به خواب زمستانی دعوت می‌کند. این تمثیل بیانگر وضعیت و موقعیت فعلی آمریکاست؛ زیرا همه اتفاقات و تحولات جاری و در حال وقوع در منطقه خبر از افزایش ضریب آسیب‌پذیری آمریکا در رویدادهای منطقه‌ای می‌دهد. بنابراین وضع حال آمریکا در منطقه در تمثیل به «پاییز آمریکایی» توصیف شده است. این تمثیل، با جو حاکم بر شرایط آمریکا در منطقه انطباق دارد و نوع تعامل و تقابل این کشور با جنبش‌ها، ملت‌ها، مقاومت و بیداری اسلامی را پیش‌بینی می‌کند. پاییز آمریکایی در تشریح وضع حال و تجربه کشورهای عربی و کشورهایمانند تونس، مصر، لیبی، بحرین، یمن، اردن، عمان، عربستان و ... کاملاً همخوانی دارد؛ زیرا با شروع انقلاب‌های عربی در تونس و پس از آن مصر و حذف مهره‌های آمریکایی و صهیونیستی از رأس حکومت‌های عربی در منطقه، شکست پروژه‌های صهیونیستی و آمریکایی بیش از پیش خود را به جهانیان و حتی خود آمریکا نشان داد و ترس و نگرانی شدیدی ایجاد کرد؛ به گونه‌ای که از نظر بسیاری از تحلیلگران، آمریکا بازنده اصلی

تحولات جهان عرب محسوب می‌شود. (عیوضی، ۱۳۹۱: ۲۵)

«پاییز آمریکایی» دلالت بر چگونگی روند نزول قدرت آمریکا در کشورهای منطقه دارد که در گام نخست از مهم‌ترین نشانه‌های این نزول، حذف رهبران غیر مردمی و دست‌نشانده در منطقه است. در این تحولات به نوعی آمریکا مهره‌های وابسته به خود را در اوج اقتدار از دست می‌دهد و موج جدیدی از شعارهای ضد آمریکایی از درون این جنبش‌ها شکل می‌گیرد. این موضوع باعث شد تا آمریکا نه تنها جایگاهی در تحولات و ادامه روندهای اعتراضی منطقه‌ای نداشته باشد، بلکه به شدت مورد انتقاد و طرد ملت‌ها قرار گیرد. برای محور مقاومت چنین شرایطی که به متزلزل کردن پایه‌های قدرت آمریکا در منطقه می‌انجامد، بسیار فرصت‌ساز است. باید این واقعیت را پذیرفت که پدیده «پاییز آمریکایی» در منطقه رخ داده است؛ یعنی آمریکا در شرایط کنونی از همه جهات دچار یک افول تمام‌عیار شده است که نشان از کاهش منطقه‌ای قدرت آمریکا دارد. مصداق بارز برگریزان این خزان را می‌توان در استیصال کنونی دولت آمریکا در مسائل ایران، سوریه، عراق، فلسطین، افغانستان، یمن، فلسطین و... دانست. آمریکا در شرایط کنونی با مسائل نوظهور و جدید داخلی ناشی از خیزش‌های مردمی و اعتراضات نژادی مواجه است. مردم آمریکا به بیداری بزرگی رسیده‌اند. آنها پرچم آمریکا را آتش می‌زنند و تمثال نژادپرستان را به زیر می‌کشند که اقدامات بی‌سابقه‌ای است. آرمان انقلاب اسلامی نیز مبتنی بر این بیداری است. انسان‌دوستی، همزیستی با ادیان و نژادهای مختلف و آیات قرآن و روایات در این زمینه، شعارهای اسلام هستند و حضور مسلمان‌ها در آمریکا می‌تواند بسیار مؤثر باشد. دامنه این اعتراضات در کنار مسائل بازدارنده‌ای مانند بیماری کرونا در کنار نزدیک شدن به پایان دوره ریاست‌جمهوری ناکارآمد ترامپ شرایط بسیار حساسی برای آمریکا ایجاد کرده است.

از حیث جامعه‌شناسی، قالب‌های اعتراضی در آمریکا و گسترش آن به قشرهای مختلف شهروندی شرایط بازمهندسی ساختاری در آمریکا را به عنوان تهدیدی جدی نشان می‌دهد. بنابراین در موج دوم بیداری اسلامی شرایط منطقه‌ای و بین‌المللی متفاوت‌تر از قبل است و آمریکا با دو مجموعه چالش‌های داخلی و بین‌المللی مواجه است. این کشور ناچار به اعمال سیاست‌های دفاعی ولو در قالب اقدامات خشونت‌آمیز برای رهایی از وضع موجود است. مسئله داخلی امروز آمریکا صرفاً یک رویداد سیاسی نیست، بلکه مجموعه قابل اعتنا از جوانه‌ها و روندهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... است که در همه شهرها و

ایالت‌های این کشور دیده می‌شود. وضعیت داخلی آمریکا طی ده‌های گذشته بسیار جدی و عمیق بوده است و پیش‌بینی شگفتی‌سازها در این کشور وجود دارد؛ چنان‌که در کتاب «تحلیلی بر آینده انقلاب اسلامی» در قالب سناریوهای آینده آمریکا پیش‌بینی شده است.

شرایط کنونی داخلی و جهانی آمریکا مؤلفه‌های مهم در پاییز آمریکایی را دارد. در فصل جدید از موج بیداری باید بر این نکته تأکید کرد که این موج هم‌زمان در داخل آمریکا، در منطقه و جهان اسلام و هم در مناسبات جهانی قدرت‌های بزرگ و رقیبی چون چین و روسیه و.. به وجود آمده است. ناتوانی در مدیریت سیاست مداخله‌گرایانه منطقه‌ای آمریکا و ناتوانی در برابر موج جدید بیداری در ساختار پاییز آمریکایی قابل پیش‌بینی است. آمریکا در معرض تهدیدهای نوظهور جهانی است که ریشه‌های قوی تاریخی دارد و سردمداران این کشور هم به آن اذعان دارند. به همین علت شرایط امروز منطقه برای حضور قدرتمند ایران و کشورهای حامی مقاومت و رهایی بسیار مناسب است. اما این فرصت به اراده و خواست ملت‌های مسلمان منطقه نیز بستگی دارد؛ چنان‌که رهبری می‌فرماید: «امروز دولت ظالمی مثل آمریکا، با اینکه ثروتش زیاد، تجهیزانش مدرن، و تکنولوژی و علم و امکاناتش هم فراوان است، اما همین ظالم و شیطان متجاوز که ملت‌های دنیا را قدرتمندانه تحقیر می‌کند، به راحتی قابل سرکوب شدن در منطقه ماست؛ به شرط اینکه ملت‌های مسلمان به آینده خود امید داشته باشند و با دلگرمی و امید، اقدام و قیام و حرکت کنند. خوشبختانه ملت‌ها خیلی بیدار شده‌اند؛ اما فقط بیدار شدن کافی نیست. بعد از بیداری، باید حرکت کنند و این حرکت، به امیدواری احتیاج دارد.» (Khamenei.ir)

با این تفسیر، در موج دوم بیداری، فضای نفوذ آمریکا مسدود خواهد شد و این کشور خود را در معرض تهدیدهای پیش‌بینی‌نشده‌ای می‌بیند. در مقابل، قدرت جذب محور مقاومت و انقلاب اسلامی در شرایط نسبتاً خوبی است. البته کسب توفیقات به عوامل بسیاری بستگی دارد که در مطالب پیشین اشاره شد. با توجه به مطالب فوق، به تشریح وضعیت آمریکا در فضای فصل پاییز آمریکایی خواهیم پرداخت.

پاییز آمریکایی تنها تبعات منطقه‌ای ندارد، بلکه تبعات جهانی هم خواهد داشت، اما نتیجه نهایی آن ناپایداری پایه‌های قدرت آمریکا در عرصه منطقه‌ای و جهانی است.

محور مقاومت توانسته است هر جریانی را که کوچک‌ترین وابستگی به آمریکا دارد یا نظری همسو با سیاست‌های این کشور دارد، زمین‌گیر کند و مشروعیت منطقه‌ای و حتی

داخلی آنها را با تهدید جدی مواجه سازد.

در ساختار «پاییز آمریکایی» رابطه معکوسی بین قدرت جذب ملت‌ها از سوی ایران و محور مقاومت از یک سو و افول و محدودیت دامنه حضور آمریکا و مشروعیت مردمی آن در منطقه از سوی دیگر، شکل گرفته است.

تخریب رسانه‌ای آمریکا از محور مقاومت مثال دیگری بر پاییز آمریکایی است که سند مهمی در افول قدرت آمریکا در منطقه به شمار می‌آید؛ زیرا این رسانه‌ها در شرایط فعلی درصدد توجیه شکست آمریکا هستند و از ادامه اعتراضات مردمی علیه هرگونه نفوذ آمریکا به شدت انتقاد می‌کنند و مردم این کشورها را آشکارا و پنهان مورد حمله و تخریب رسانه‌ای قرار می‌دهند.

#### چیستی موج جدید بیداری اسلامی

پیش‌بینی درست وقایع و فهم و درک درست اتفاقات می‌تواند کشورها و نظام‌های سیاسی را در مواجهه با بحران، به اتخاذ تصمیم‌ها و سیاست‌های درست و مناسب رهنمون سازد. چنانچه بحران‌ها و انقلاب‌ها به خوبی شناسایی و پیش‌بینی نشوند یا فهم درستی از تحرکات اجتماعی وجود نداشته باشد، طبعاً تصمیم‌ها و سیاست‌ها هم مناسب و متناسب نخواهند بود. بر این اساس واضح است فهم و درک وقایع آینده از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. اولویت‌های حرکت موج دوم ناشی از ماهیت و چیستی و مقتضیات زمانی و مکانی به شرح زیر قابل بحث است:

۱. احتمال پیچیدگی موج دوم بیداری اسلامی در آینده زیاد است. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران باید با در نظر گرفتن وضعیت موجود منطقه‌ای و بین‌المللی، اقدام به بازمهندسی جدی کند. از این رو باید احتیاط رفتاری، هوشمندی در تصمیم‌گیری، پای‌بندی به مؤلفه‌های حیاتی مثل وحدت، ثبات داخلی و همسویی با سیاست‌های رهبری را پایه و اساس قرار دهد. همچنین باید با هوشمندی به شرایط داخلی کشورهای اسلامی توجه کند و اصل احتیاط را در کاربرد برخی واژگان که موجب اختلاف و بدبینی خواهد شد مانند شیعه‌گری و ایرانی بودن، رعایت کند.

در منظومه فکری امام در جهان اسلام نیز دو واژه «شیعه» و «ایران» کمتر دیده می‌شدند؛ از این رو تفکر امام بین ملت‌های غیرمسلمان حامی داشت. نگاه کلان امام ایستادگی در مقابل استبداد و استکبار و ظلم بود که قابل درک و مورد علاقه مسلمانان و

حتی غیرمسلمانان بود و حتی ملت‌ها در آمریکای لاتین نیز با آن احساس قربت می‌کنند. بنابراین یکی از مسائل موج دوم برای جمهوری اسلامی شیعه‌گری است که باعث تشدید نگرش طایفی، قومی و نژادی نسبت به ایران می‌شود. در موج دوم که بیشتر دولت‌ها با اهداف متعددی وارد صحنه می‌شوند باید هوشمندانه عمل کرد. یکی از نکات مهم موج دوم بیداری حضور ایران در سایه ایران است. باید برخی واژه‌ها مثل سکوت، عدم مداخله علنی در موارد تحریک‌برانگیز، حمایت و مهرورزی نسبت به جریان‌هایی که به ارزش‌های مشترک جهان اسلام علاقه‌مند هستند و عدم حمایت از افراد و جریان‌هایی که مورد اقبال عمومی نیستند، بیشتر کاربردی شود.

۲. موضوع دیگری که موج دوم را مسئله‌محور می‌کند بیشتر به معرفی بیداری اسلامی با مفاهیمی مانند احیای اسلامی، بیداری دینی، بهار اخلاق، ارزش‌های الهی و... برمی‌گردد. تصویرسازی از آینده، یعنی تمدن‌سازی نظام اسلامی در محدوده ملی و فراملی، دارای ماهیت توحیدی و اسلام ناب محمدی (ص) است و بر اساس ماهیت اسلام دارای خصایصی ویژه است از جمله:

- بر پایه احکام و قوانین اسلامی در راستای اقدام‌ها و برنامه‌ها؛
- احیای فرهنگ اسلامی پویا در چشم‌اندازی از تمدن اسلامی؛
- عزت و کرامت انسانی و دینی؛
- تصویرسازی ارزش‌هایی همچون مقاومت در مقابل استعمارگران، اخلاص، ایثار، توکل، ایمان به خداوند، اعتماد به خود و جامعه؛

- آینده‌اندیشی و خیرخواهی در برنامه‌های اجرایی. (عیوضی، ۱۳۹۱: ۱۹۰-۱۸۰)

بنابراین موج جدید، تلاشی عمیق برای ساختن تمدن اسلامی است که با ماهیت انقلابی در این مرحله به کسب موقعیت‌های جهانی دست می‌یابد تا مردم جهان تصاویری از این تمدن اسلامی را مشاهده کنند. در نتیجه جامعه انسانی به سوی بهترین سرنوشت، دست به تغییراتی در همه زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و... می‌زند. در این شرایط همچنان دشمنان مصمم هستند با برنامه‌ریزی و تلاش، فرصت‌ها را از انقلاب اسلامی و حامیان آن بگیرند. در واقع هرگونه اراده به تغییر ماهیت استکباری جهان مسئله آینده موج دوم است.

۳. موج دوم بیداری اسلامی به دنبال رسیدن به نقطه قابل اتکا و مرکزی نظام اسلامی است. این هدف چالش‌های بسیاری تولید خواهد کرد. این موج در جهان اسلام، براساس



اشاعه فرهنگ ناب اسلامی، درصدد اعمال قدرت نرم و اثربخش خود بر امت‌های جهان است و به دلیل ماهیت جهان‌شمول و عرصه جهانی شدن، منطقه خاصی را در نظر نمی‌گیرد. موج دوم هدف فراگیری پیش رو دارد و ملت‌هایی را که درصدد مبارزه با نظام بی‌عدالتی و سلطه جهانی هستند، دربرمی‌گیرد. این موج بیشتر از آنکه مشی مسلحانه داشته باشد، بر قلب و فرهنگ ملت‌ها هژمونی دارد و به دنبال نظامی برابر و عادلانه است. موج دوم به عنوان مسئله آینده تلقی می‌شود که لایه‌های عمیق‌تر تفکر و تمدن غربی را نشانه می‌گیرد و در هر لایه و سطحی که در این خیزش‌ها وارد شود، به علت ماهیت تمدنی و فرهنگی‌اش به همان میزان اثر می‌گذارد. این موج برای رسیدن به آینده بهتر و مطلوب‌تر تلاش می‌کند و برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی قدم بر می‌دارد. به همین دلیل با مسائل بسیار جدی و مهمی مواجه خواهد بود. به دلیل نوع و ماهیت موج جدید اسلامی و تکثر منابع و الگوهای درون جهان و عصر جدید قاعدتا از لحاظ زمان و مکان متفاوت‌تر از امواج قدیمی‌تر بیداری اسلامی است؛ زیرا اولاً بازیگران صرفاً گروه‌های رسمی نیستند و گروه‌های شبه‌رسمی و آزاد در ظرف زمان خاص به ابداع و تحریک بازیگران می‌پردازند. ثانیاً گروه‌های موج جدید منطقه جغرافیایی خاصی را شامل نمی‌شوند و به همه کسانی که با نگرش جهان‌شمول به دنبال تغییر سبک زندگی و قرار دادن اسلام به عنوان دال اصلی هستند می‌پردازند. ثالثاً ادبیات این جریان‌ها در موج جدید در قالب دنیای مدرن و متأثر از این امواج جهانی شدن تحلیل می‌شود. در نتیجه به دلایل بالا می‌توان نوع و ماهیت این گروه‌ها را متفاوت از جریان‌های بیداری اسلامی معرفی کرد.

شاخص‌های موج دوم بیداری اسلامی

شاخص‌ها، معیارهایی هستند که میزان انطباق، پیش‌بینی و شناخت ما از آینده را نشان می‌دهند. شاخص‌ها باید واقعی و قابل اندازه‌گیری باشند تا بتوانند تغییرات و تحولات قابل اندازه‌گیری را توصیف‌پذیر کنند. شاخص‌ها به دو دسته عمده کمی و کیفی تقسیم می‌شوند. شاخص‌های کمی متناسب با نوع با عدد نشان داده می‌شوند و براساس نوع داده و کاربرد آن به شیوه‌های مختلف مثلاً تعداد، سهمیه، بخش و... نمایش داده می‌شوند. شاخص‌های کمی به دلیل عددی بودن داده‌ها ملموس هستند و ساده‌ترین شاخص قابل فهم، قابل مداخله و دست‌کاری است. شاخص‌های کیفی غیر عددی هستند. این شاخص‌ها می‌توانند

میزان پیشرفت به سوی یک هدف یا تحقق یک واقعیت را نشان دهند. این دسته از شاخص‌ها معمولاً حاوی اطلاعاتی در بافت توصیفی هستند که هم می‌توانند شامل بیان حقایق و هم بیان نظرها باشند. برای مثال شاخصه‌های مشترک کیفی بیداری اسلامی حکایت از وجود ماهیت واحد و جهت‌گیری مشترک در اهداف، شعارها و رفتارها دارد. این شاخصه‌های کیفی نشان می‌دهند این حرکت‌ها خارج از مدیریت قدرت‌های استکباری و به ویژه آمریکا هستند و از هویت حقیقی برخوردارند.

- اصول اعتقادی در ملت‌ها مبنی بر ضرورت مبارزه با آمریکا و رژیم صهیونیستی؛

- گسترش شعارهای اسلامی مانند استقامت، شهادت، ایثار و...؛

- گفتمان‌سازی مقاومت در سطح جهانی؛

- استبداد و استعمارستیزی؛

- ناکامی غرب در گفتمان‌سازی.

بنابراین توجه به شاخصه‌های موج دوم بیداری اسلامی به علت پیچیدگی‌های محیط رقابت، بازیگران فعال، محور مقاومت و گفتمان انقلاب اسلامی است. برخی از این شاخص‌ها عبارت‌اند از:

اسلامی بودن: یکی از شاخص‌های اصیل از نگاه آینده‌پژوهانه، دال اسلام‌گرایی است و کماکان اسلامی بودن از مهم‌ترین شاخص‌های موج دوم بیداری است. این شاخص متضمن اجرای قوانین و حدود اسلامی با هدف پیروزی در جنگ نرم گفتمان رقیب است که آمریکا و غرب در جهان اسلام آن را مدیریت می‌کنند.

مردمی بودن: مردمی بودن و خودجوشی موج بیداری اسلامی وجه مشترک همه جریان‌های بیداری اسلامی است. این مؤلفه و شاخص می‌تواند حیات‌بخش آینده و نیروی اتکایی برای رسیدن به اهداف مهم موج دوم و نقطه هدف یک تفکر اسلامی باشد که همان تمدن‌سازی اسلامی است. ویژگی‌های این شاخص اقبال جهانی به بیداری در دهه‌های آینده و نیز مشارکت‌های ملی و انسانی و... است.

عدالت‌خواهی و مبارزه با فساد: این دو شاخص در موج دوم بیداری لازم و ملزوم یکدیگرند. فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، اگر در بدنه حکومت‌ها عارض شود، زلزله ویرانگر و ضربه‌زننده به مشروعیت آنهاست. این مسئله برای نظامی مانند جمهوری اسلامی که نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم و مبنایی‌تر از مقبولیت اجتماعی است،

بسیار جدی‌تر و بنیانی‌تر از نظام‌های دیگر است.

وحدت اسلامی: یکی از شاخص‌های راهبردی موج دوم بیداری اسلامی وحدت اسلامی است. نباید بیداری اسلامی را فقط در قالب پیروزی و موفقیت ملت‌ها در سرنگونی حکومت‌های دیکتاتور بدانیم. بیداری اسلامی به عنوان دارویی شفابخش است که به دنبال بیداری و آگاه‌سازی مردم و آشنایی آنان به وظایف خویش در قبال قرآن و اسلام است و در ظرف محدود زمان نمی‌گنجد. بنابراین در جهت هدف خود که یکی از ابعاد مهم آن بیگانه‌ستیزی و استقرار ثبات و امنیت است، حفظ وحدت از شاخص‌های آن است. وحدت بزرگ‌ترین شاخص و سرمایه اجتماعی است که حرکت برای تحقق موج دوم بیداری اسلامی را تسریع می‌کند. اختلاف و تفرقه در این راه باعث هدر رفتن نیروها و سرمایه و از دست دادن فرصت می‌شود. تنش در هر جنبشی بروز می‌کند. اساسا پویایی و زنده بودن جنبش‌ها و حرکت‌ها در گرو وجود تنش‌ها و التهابات عملیاتی است؛ اما برای آمادگی در برابر تهدیدها باید این تنش کم شود تا ریسک خطرهای احتمالی پایین بیاید.

جذب افراد توانمند، متعهد و وفادار به آرمان: یکی از شاخص‌های مهم در حرکت‌های مردمی و استقلال‌خواهانه حضور افراد توانمند، متعهد و وفادار درون ساختار قدرت است. از طرفی حضور افراد نالایق و غیرمتعهد و سوءاستفاده آنها از قدرت موجب بدنام شدن چهره انقلابی و مردمی موج بیداری اسلامی خواهد شد. بنابراین یکی از اقدامات مهم در موج دوم بیداری اسلامی جلوگیری از نفوذ آنها و شناسایی این افراد و خلع ید آنها از قدرت است.

سیاست خارجی ضد نظام سلطه و رویکرد غرب‌گرایانه (آمریکا): تداوم سیاست خارجی ضد سلطه و تقویت گفتمان انقلابی در سیاست خارجی علیه سیاست‌های استعماری آمریکا با اتحاد برخی کشورهای غربی و عربی، همچنان یکی از شاخص‌های مهم موج دوم انقلاب اسلامی است که نشان می‌دهد این حرکت از اهداف و آرمان‌های خود دست نکشیده و همچنان به آنها پای‌بند است.

تداوم و تقویت مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی: یکی از شاخص‌های موج دوم بیداری حفظ شعار مقاومت در برابر اشغالگران است. ادبیات مقاومت و حماسه‌های صورت‌گرفته موجب شده است به رغم حمایت‌های غربی از رژیم صهیونیستی، هویت متزلزل این رژیم در جهان حتی در دنیای غرب با مشکلات زیادی مواجه شود. این شعار یکی از آرمان‌های مهم انقلاب اسلامی بوده و تا حصول نتیجه، یکی از شاخص‌های جدایی‌ناپذیر بیداری اسلامی

باقی خواهد بود.

- احیای عزت و کرامت ملی: موج دوم بیداری اسلامی در ادامه موج اول به دنبال احیا و بازسازی شأن و جایگاه و پاسداشت کرامت ملت‌های اسلامی است و در برابر هرگونه هجوم ناشایست و نابخردانه نفوذ و توطئه بیرونی مقابله می‌کند.

اهداف موج جدید بیداری اسلامی

حوادث ۱۰ سال اخیر در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا نتایج مختلفی داشت: در برخی کشورها موجب جابه‌جایی ظاهری قدرت شد؛ در برخی دیگر قدرت و نظام سیاسی تا حدودی دگرگون شدند و احزاب مختلف از جمله احزاب اسلامی پا به عرصه قدرت گذاشتند، اما کلیت حکومت با تغییرات بنیادی مواجه نشد. در برخی کشورها بیداری اسلامی تا حدود زیادی محقق شد و نظام سیاسی با تغییرات عمده همراه بود، اما این تغییر و تحولات با دخالت خارجی، همراه بود (یمن). در برخی کشورها انقلاب مردم سرکوب شد (بحرین) و در برخی کشورها نیز با دخالت کشورهای غربی و عربی، شورش و بلوایی راه افتاد تا مسیر بیداری اسلامی را منحرف کنند (سوریه). در برخی کشورها با راه انداختن گروه‌های شورشی و افراطی همچون داعش سعی کردند حاکمیت جدید را به چالش بکشند (عراق). بر این اساس می‌توان گفت در ۱۰ سال اخیر، با وجود آنکه مردم کشورهای منطقه حقیقتاً به دنبال انقلاب و بیداری اسلامی بودند، اما در بیشتر این مناطق، همان سیستم سابق حفظ شد.

به نظر می‌رسد در آینده مردم منطقه با آگاهی و بصیرت بیشتر، مسیری را انتخاب کنند که بخشی از این انحرافات جبران شود. بدین منظور اهداف بیداری اسلامی آینده می‌تواند طیفی متنوع از خواسته‌های به حق مردم را دربر داشته باشد.

همچنین با توجه به اینکه آمریکا و رژیم صهیونیستی اهداف خطرناکی را در منطقه دنبال می‌کنند، طبعاً بخشی از اهداف آینده بیداری اسلامی، مقابله با این اهداف توسعه‌طلبانه و ضد اسلامی و ضد عربی خواهد بود؛ به خصوص که سیاست‌های آمریکا و رژیم صهیونیستی با حمایت‌های صریح یا تلویحی برخی کشورهای منطقه همراه است. بنابراین خواه‌ناخواه، هر موج جدیدی در منطقه احتمالاً با اهداف ضد صهیونیستی همراه خواهد بود. نگاهی به روندهای موجود و نقش پیش‌ران‌های فعال، مطالبات موج اول را نشان می‌دهد:

۱. برقراری و اجرای اصول دین اسلام در سایه توحید و عدالت؛

۲. براندازی نظام‌های فاسد سیاسی؛

۳. استقلال سیاسی و مقابله با نظام سلطه؛

۴. مقابله با توسعه‌طلبی رژیم صهیونیستی.

برای درک جایگاه موج جدید بیداری اسلامی می‌توان اهداف و چشم‌اندازی از این اهداف را در افق گام دوم انقلاب اسلامی معرفی کرد. آینده‌نگری در موج جدید بیداری دارای اهداف بلندپایه است. محدوده زمانی آن گسترده و روبه جلو است و بر اساس بنیان‌های معرفتی استوار است. در ادامه به مهم‌ترین اهداف می‌پردازیم:

- تبلور روح انقلابی و جهادی در اجرای برنامه‌ها و تصمیم‌های آینده؛

- زمینه‌سازی جامعه مطلوب مهدویت و سیاست‌گذار بر ارزش‌هایی مانند انتظار، ایثار،

مقاومت، شهادت و ...؛

- بازگرداندن دین به عرصه‌های مختلف از جمله مسائلی مانند فرهنگ، سیاست، اقتصاد و ...؛

- شناسایی مفاهیم عدالت، معنویت، عقلانیت، مساوات، آزادی و ... در بدنه اندیشه‌های نسل

جدید و جوان ملت‌ها؛

- سناریوسازی بر اساس جوان‌سازی محور مقاومت و تولید ادبیات مبتنی بر مقتضیات و

شرایط آینده؛

- برنامه‌ریزی و چشم‌اندازسازی در ظرفیت‌های مادی به عنوان منابع مادی قدرت؛

- بررسی بنیان‌های اخلاقی، ایمانی و دینی در نیروی انسانی و سرمایه اجتماعی مستعد

و کارآمد؛

- تصویرسازی از مشارکت سیاسی - اجتماعی عموم مردم در تقویت همبستگی و اعتماد

متقابل حکومت‌ها و مردم به عنوان جامعه‌سازی اسلامی؛

- شناخت روندهای موج بیداری از ابتدا و بر اساس آن حرکت به سوی آینده مطلوب با

قاطعیت و اعتماد به توانایی‌های داخلی و ملی؛

- بررسی مؤلفه‌های تمدن‌سازی در بستر جوامع اسلامی مانند عراق، لبنان، سوریه، یمن و ...؛

- بررسی تحولات بیداری اسلامی به صورت گام به گام برای جلوگیری از غافل‌گیری و

ضربه از نظام‌های استکباری مانند صهیونیسم و آمریکا؛

- نگاه مثبت‌گرایی به جوان پرشور و مؤمن و متعهد به واقعیت‌های عینی در مقابل

سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن؛

- انقلاب علمی و اندیشه در همه زمینه‌ها برای آماده‌سازی آینده قوی و عزیز میان قدرت و ثروت دنیای غرب؛

- به دست آوردن قله‌های علمی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، فرهنگی، آموزشی و ... در سایه نظام‌مندی و تمدن‌سازی اسلامی؛

- ایجاد اقتصاد قوی در مقابل اقتصاد ضعیف به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف؛  
- مرزبندی با دشمن بر اساس عزت ملی، حکمت و مصلحت؛

- هدف مهم دیگر گام دوم انقلاب در بیداری اسلامی ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواحنا له الفدا) است. (عیوضی، ۱۳۹۱: ۱۹۰-۱۸۰)

- تأکید بر فعال‌سازی مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی در جهان اسلام از جمله گسترش انسجام و همبستگی اجتماعی، بسط مشارکت داوطلبانه، توسعه همه‌جانبه هنجارهای مشترک اجتماعی، اعتماد متقابل، الگوهای رفتاری قدرتمندانه، تعاون و همکاری متقابل، هویت جمعی، همدلی، حسن تفاهم، روحیه جمعی، ارتباطات، احترام متقابل، تأکید بر منافع مشترک؛

- اشاعه فرهنگ ناب اسلامی برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی که ساختار موج جدید بیداری اسلامی را متعین و مشخص می‌کند.

- توجه به وحدت و همگرایی جوامع مسلمان؛ این هدف در موج اول بیداری نیز دنبال می‌شد. تفاوت اساسی آن در موج دوم این است که بیشتر معطوف وحدت بین گروه‌های رسمی و شبه‌رسمی و همه گروه‌های اسلامی است که دغدغه آزادی‌خواهی در برابر همه جریان‌های استکبار جهانی را دارند.

- عدالت‌خواهی: یکی از بارزترین اهداف بیداری اسلامی رسیدن به نقطه مطلوب عدالت و قرار دادن عدالت به عنوان کانون مرکزی مبارزه با نابرابری در دنیای مدرن و مقابله با تفکر سلطه‌گری است. این هدف والا در پس‌زمینه موج بیداری اسلامی است و عدالت در سطح جهان نابرابر را مد نظر قرار می‌دهد.

نقش محور مقاومت در بازخیزی بیداری اسلامی

محور مقاومت در موج جدید، شرایط متنوعی در منطقه دارد. در برخی مناطق قدرت و فرصت‌های بسیاری دارد؛ از این رو باید موضع خود را تقویت کند و برنامه‌ریزی هوشمندانه‌ای داشته باشد. در برخی مناطق هم وضعیت کم‌ثباتی دارد و با چالش‌هایی مواجه است.



امروزه مقاومت به رکن مهم قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده و علاوه بر افزایش ضریب بازدارندگی دفاعی جمهوری اسلامی و تقویت زمینه‌های ایجاد نظم منطقه‌ای مد نظر ایران، در تقویت همکاری‌های منطقه‌ای، حتی در بعد اقتصادی آن تأثیرگذار است. به نظر می‌رسد آینده نقش‌آفرینی ایران در منطقه منوط به تقویت بازیگری ایران در قالب محور مقاومت اسلامی است. این موضوع، به ویژه با توجه به تغییرات دینامیسم قدرت در نظام بین‌الملل و احتمال گذار آن به شرایط چندقطبی و تأثیر این تحول بر ژئوپلیتیک خاورمیانه اهمیت زیادی دارد. (قربانی، ۱۳۹۸) بنابراین مروری به موقعیت ایران در محور مقاومت خواهیم داشت.

شرایط مقاومت در یمن خوب است. تجربه یمن، لبنان، عراق و سوریه ثابت کرد که مقاومت می‌تواند جریانی ایجاد کند که موفق شود و در آینده به عنوان کانون قدرت منطقه‌ای دیده شود. اگر محور مقاومت بتواند یک سناریوی مطلوب برای مردم منطقه ترسیم کند که خوب اجرا شود، می‌تواند به موفقیت برسد زیرا طرفداران مقاومت در این مناطق بسیار قوی و توانمند هستند و امکانات خوبی دارند و فقط باید مدیریت شوند. باید با احترام با آنها رفتار کرد و هوشمندانه اجازه داد با شرایط محلی خود پیش بروند. (موسوی، ۱۳۹۹: ۱۴) بنابراین محور مقاومت در این مناطق می‌تواند جریانی ایجاد کند که آمریکا، رژیم صهیونیستی و عربستان را با غافل‌گیری مواجه سازد و در حالت تدافعی قرار دهد.

در یمن بسترهای مناسبی برای مقاومت وجود دارد. مردم یمن با اینکه بدترین شرایط اقتصادی، امنیتی، بهداشتی و ... بر آنها تحمیل شده است، موفق بوده‌اند و همچنان تظاهرات میلیونی در آنجا برگزار می‌شود. عبدالملک الحوثی هم از نظر برخورد با سعودی‌ها و هم در رابطه با مردم خودش از قدرت خوبی برخوردار است؛ از این رو می‌تواند آینده مقاومت در این کشور را مثبت ارزیابی کرد.

در لبنان نیز مقاومت حزب‌الله از وضعیت خوبی برخوردار است و بسیار موفق عمل کرده است. پایگاه مردمی این حزب همچنان خوب است و با جمهوری اسلامی ایران، محور مقاومت قدرتمندی در منطقه هستند.

محور مقاومت در عراق با چالش‌هایی روبه‌روست. در برخی مقاطع در این کشور موفق عمل کرده و در برخی موارد هم با تهدیدهای مقاومت مواجه شده است. حمایت‌های ایران به عنوان کشور قدرتمند در محور مقاومت از دولت عراق و جریان‌های فعال باید با درایت و

خویشترن داری همراه باشد. باید محبوبیت جمهوری اسلامی ایران در عراق گسترش یابد. حمایت مقاومت از جریان‌های داخلی عراق که خوب عمل نمی‌کنند و در تقابل با منافع عراق هستند، موقعیت ایران را تضعیف می‌کند. در عراق باید با تدبیر و هوشیاری عمل کرد و از حمایت برخی شخصیت‌های سیاسی ناکارآمد خودداری کرد تا عراق به عنوان شریک مقتدر و همسو در کنار مقاومت باقی بماند. جمهوری اسلامی ایران، در موج دوم بیداری، باید سیاست خود را در عراق براساس مقتضیات جدید تنظیم کند. بسیاری از رؤسای گروه‌های سیاسی شیعه عملکرد خوبی در عراق نداشته‌اند و پایگاه آنان نزد عموم مردم عراق تضعیف شده است. اولویت امروز مقاومت حفظ عراق است و جمهوری اسلامی، چنین توانی دارد. شخصیت‌های خوشنام، مخلص، مجاهد، دست‌پاک، باتجربه و متخصصی در عراق هستند که می‌توانند حزب یا نهادهای جدیدی ایجاد کنند و ایران در کنار این شخصیت‌ها می‌تواند فصل جدیدی از حضور را تجربه کند. (موسوی، ۱۳۹۹: ۱۴)

محور مقاومت از ابتدا با تلاش‌ها و حمایت‌های فراگیر و گسترده انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و روشن است در سایه این حمایت‌ها ادامه خواهد یافت. در قانون اساسی حمایت از مستضعفان، حمایت از جنبش‌های اسلامی، حمایت از فلسطین و کشورهای حامی آن و... از مهم‌ترین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی بوده است. این مسئله، آثار و تبعات مختلفی مثل دشمنی و مخالفت برخی کشورها از جمله آمریکا و رژیم صهیونیستی و نیز برخی کشورهای عربی منطقه داشته است. با این حال، سیاست اعلامی جمهوری اسلامی همواره نوعی پیام تعامل برای کشورهای منطقه بوده است. در مقابل نوعی رقابت منطقه‌ای میان ایران با برخی کشورها از جمله عربستان سعودی وجود دارد. به طور کلی می‌توان در موج دوم بیداری از جبهه مقاومت به رهبری ایران سخن گفت که باید راه پر چالشی را به سوی آینده با عدم قطعیت‌ها و بسیاری از مسائل نوظهور طی کند؛ هرچند امروز می‌توان ادعا کرد جبهه مقاومت از نظر کیفیت و کمیت و کسب تجارب و امکانات نیروی انسانی و موقعیت جهانی، قابل مقایسه با ابتدای حرکت نیست.

محور مقاومت در مواجهه با موج جدید بیداری با دو جریان متخاصم روبه‌روست که باید به ارزیابی و بازشناسی مجدد آنها پردازد:

نخست، جریان‌های تکفیری: انحراف از آموزه‌های اسلام نبوی موجب شکل‌گیری جریان‌های تکفیری شد. القاعده و داعش به عنوان چالش پیش روی محور مقاومت، از پیامدهای این



انحراف فکری هستند. تأکید اسلام سیاسی بر مرجعیت اسلام در راهبردهای جمهوری اسلامی از مهم‌ترین رسالت جمهوری اسلامی است تا زمینه را برای تحکیم جبهه مقاومت فراهم سازد. (ناظمی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶۷-۶۵).

دوم، جریان‌های استعمارگری با محوریت آمریکا: ایران در صحنه قدرت امنیتی و سیاسی، آمریکا و حامیان غربی آن را با چالش‌هایی روبه‌رو کرده است. «امروزه چالش بر سر حضور ایران مقتدر در مرزهای رژیم صهیونیستی و برچیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه غرب آسیا و حمایت جمهوری اسلامی از مبارزات مجاهدان فلسطینی در قلب سرزمین‌های اشغالی و دفاع از پرچم برافراشته حزب‌الله و مقاومت در سراسر این منطقه است. امروز مشکل او جلوگیری از انتقال سلاح‌های پیشرفته ایرانی به نیروهای مقاومت است ... امروز برای مقابله سیاسی و امنیتی با جمهوری اسلامی، خود را محتاج به یک ائتلاف بزرگ از ده‌ها دولت معاند یا مرعوب می‌بیند و البته باز هم در رویارویی، شکست می‌خورد.» (Khamenei.lir)

پیش‌ران‌ها، روندهای نوظهور و عدم قطعیت‌ها در موج دوم

هر حاکمیتی برای گسترش اهداف خود نیازمند اندیشیدن به آینده و راهبردها و برنامه‌های خود در همه زمینه‌هاست. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر انقلاب اسلامی، در بیانیه «گام دوم انقلاب» اعلام کردند: انقلاب «وارد دومین مرحله خودسازی و جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی شده است» و باید در چارچوب «نظریه نظام انقلابی» و با «تلاش و مجاهدت جوانان ایران اسلامی» به سوی تحقق آرمان ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای ظهور امام زمان گام برداشت. طبعاً حرکت به سوی این اهداف، با موانع و مشکلاتی همراه است که باید با نگاهی آینده‌پژوهانه، آنها را مورد بررسی و تحلیل قرار داد و پیشاپیش برای مواجهه با آن مشکلات آماده بود. همچنین زمینه‌های مناسبی برای موفقیت و رسیدن به آرمان‌ها وجود دارد. عواملی که می‌تواند انقلاب اسلامی را در موج دوم بیداری در مواجهه با تغییر بازیگران خارجی، تقویت نیروی مقاومت منطقه‌ای، تغییر موازنه قدرت در سطح بین‌المللی و ... حمایت کند شناسایی مهم‌ترین روندها، پیش‌ران‌ها و عدم قطعیت‌های بیداری اسلامی در موج دوم بیداری است.

۱. پیش‌ران‌ها: پیش‌ران‌ها به معنای فرصت‌هایی برای بیداری و چالش‌هایی برای حکمران‌ها در جهان اسلام هستند. در دو حوزه داخلی و خارجی می‌توان پیش‌ران‌هایی را مورد بررسی قرار داد. بیداری اسلامی را که به باور بسیاری از تحلیل‌گران، دارای سه شاخص ضد سلطه

بیگانگان (آمریکا)، تغییر حکومت‌های دست‌نشانده و وابسته و تغییر در مناسبات با رژیم صهیونیستی است، می‌توان یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی ایران در جهان اسلام و نظام بین‌الملل دانست؛ زیرا تطبیق زیادی با شاخص‌ها و اصول مقاومت در منطقه دارد. لازم است اشاره شود بیانیه گام دوم، سندی ناظر بر آینده و مبتنی بر پیش‌ران‌هایی است که آینده وقوع محتوای هدف را عینی‌تر ترسیم و تبیین می‌کند. موج بیداری اسلامی در چارچوب گام دوم باعث بازسازی قدرت نیروی مقاومت در سطح ملی و فراملی شده است. می‌توان پیش‌ران‌ها را موتور حرکت پدیده‌ها و وقایع در آینده دانست. پیش‌ران‌ها در مرحله گام دوم در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی به صورت مقاومت بروز کرده است. پیش‌ران‌ها در دو سطح داخلی (مثبت و منفی) و خارجی (مثبت و منفی) قابل تحلیل هستند. (حاجی‌سیاری، 1397: 68-70) مهم‌ترین پیش‌ران‌های بیداری اسلامی که در بیانیه گام دوم انقلاب نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند شامل ایران، اسلام، جوانان و دیپلماسی عمومی با محور اتحاد اسلامی هستند. مروری بر برخی پیش‌ران‌های فعال خواهد شد.

- انقلاب اسلامی ایران: جمهوری اسلامی ایران پس از شکل‌گیری گفتمان انقلاب اسلامی در منطقه، به نوعی رهبری معنوی گفتمان علیه نظام‌های استبدادی و دست‌نشانده را با هدف کوتاه کردن دست استعمارگران از منطقه بر عهده دارد.

- اسلام: یکی از پیش‌ران‌های مهم در منطقه و جهان که بستر بیداری اسلامی است، اسلام است. همه مؤلفه‌های بیداری اسلامی نیز از بعدی اسلامی برخوردارند. «استبدادستیزی»، «مردم‌سالاری دینی»، «استکبارستیزی»، «عدالت‌طلبی»، «استقلال‌طلبی» و ... همه مبانی دینی و اعتقادی اسلامی دارند و هدفی را که دنبال می‌کنند نیز آموزه‌ای اسلامی است.

- جوانان: بر اساس برآوردهای اولیه، جوانان در حرکت‌های انقلابی نقشی مانند موتور محرکه جنبش را ایفا می‌کنند. بر این اساس در بیانیه گام دوم انقلاب بر نقش مهم و سازنده آنها در تمدن‌سازی اسلامی و آرمان انقلابی تأکید شده است.

- سیطره و نفوذ عمیق و گسترده بازیگران خارجی در زیرساخت‌های حاکمیتی: ممکن است حکومت‌های منطقه تحت تأثیر مداخلات این پیش‌ران‌ها با تغییرات اساسی مواجه شوند.

- ظرفیت‌ها و تجارب جبهه مقاومت: پیروزی‌های محور مقاومت در یمن، سوریه، لبنان و ... سبب شده است جامعه هدف نگاهی امیدوارانه به تغییر آینده داشته باشد.

- پیدایش فضای جدید در عرصه‌های سیاسی: این عرصه غیررسمی و کنترل‌ناپذیر کامل موجب تغییرات خواهد

شد و تقویت‌کننده اعتراض‌ها در کشورها و ابزار حمایتی جنبش‌های مردمی است.

- باور اکثریت جامعه به بی‌کفایتی و وابستگی حکومت‌ها: روشنفکران و حتی عموم جامعه اهل تسنن نگاهی خاص به جمهوری اسلامی دارند. آنها مدلی از حکومت را در ایران می‌بینند که ۴۰ سال است در برابر عربده‌کشی‌های آمریکا ایستادگی کرده است و حال دارد وارد حریم امنیتی آمریکا می‌شود و استقلال کامل دارد.

- شکسته شدن ابهت و اقتدار حکومت‌های مستبد و قدرت‌های غربی: این مسئله بارقه امیدی است که هر قدر در افکار مردم کشورهای اسلامی برجسته و تقویت شود، عاملی پیش‌ران به شمار می‌آید.

- جایگاه رهبری انقلاب اسلامی: وجود رهبر بالاترین پیش‌ران در تصویرسازی از آینده مرجح و تشخیص چالش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، امنیتی و... برای آینده جامعه اسلامی است. با توجه به پیش‌ران رهبری و وجود رهبری ولایت فقیه، مقاومت از موج اول تا موج دوم توانست به خوبی در بحران‌های داخلی و خارجی اقدام‌های مؤثری انجام دهد و دست به تغییراتی بزند که در پیش‌بینی و سناریوهای آینده بهترین گزینه تصمیم‌گیری باشد.

- دیپلماسی عمومی با محور اتحاد اسلامی: مخاطبان و جریان اصلی بیداری اسلامی و تمدن‌سازی اسلامی، مردم با تأکید بر نقش جوانان هستند. بر این اساس به نظر می‌رسد یکی از پیش‌ران‌های مهم بیداری اسلامی گفتمان‌سازی است که از طریق دیپلماسی عمومی با محوریت اتحاد اسلامی قابل دستیابی است.

- ایجاد اسطوره‌سازی و الگوسازی: ایران اسلامی دارای اسطوره‌هایی مانند شهدا، نیروهای مقاومت، دفاع مقدس، اسطوره‌های دینی مانند ائمه و... است؛ بنابراین الگوسازی در سطح فردی، اجتماعی و حاکمیتی می‌تواند در نقش‌آفرینی افراد شایسته و مؤمن و متعهد در سطح ارائه الگوی جدید از حاکمیت بسیار مؤثر باشد و آینده حاکمیت را تحت پوشش قرار دهد.

- شبکه‌سازی: ایجاد شبکه‌های مشارکتی و علمی در زمینه‌های معنویت، اخلاق، دینی و... به عنوان قدرت معنوی در سطح داخلی بسیار تأثیرگذار است و بستری را برای اقدام جمعی آماده می‌کند.

- وجود روحیه جهادی: روحیه جهادی سرچشمه اعتقادات و باورهای دینی در همه عرصه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصاد، مذهبی و... و قوی‌ترین پیش‌ران حرکت انسان‌ها به سوی بهترین، گسترده‌ترین و پیشرفته‌ترین آینده است؛ زیرا اعتماد به نفس و اعتماد به توانایی می‌تواند جامعه‌ای

را از انحطاط به سوی شکوفایی در همه زمینه‌های داخلی و خارجی حرکت دهد.

- تقویت انسانی، معنوی و سیاسی مقاومت: سرمایه انسانی و اجتماعی یکی از پیش‌نیازهای مهم تحولات سیاسی و اجتماعی و پیش‌ران‌های مؤثر در مقاومت مردمی است. بسیاری از آموزه‌های اسلامی نیز که با هدف تبلیغ، امر به معروف و نهی از منکر است، در راستای تقویت سرمایه انسانی و اجتماعی است. به عبارت دیگر اجرای اصول اسلامی در ابعاد فردی و اجتماعی، آموزه‌های دینی جهاد و بسیاری موارد دیگر نیازمند منابع انسانی است.

- وجود منابع فناوری و اطلاعات پیشرفته: استفاده از پیش‌ران فناوری جهانی در توسعه‌های امنیتی، دفاعی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و ... می‌تواند به محور مقاومت در تصویرسازی از آینده کمک کند و باعث صدور پیشرفت‌های نظام اسلامی در جهان شود و با ایجاد شبکه‌سازی جهانی قدرت جمهوری اسلامی را افزایش دهد.

- شکاف بین عملکرد مدیران، مسئولان و حاکمان با وعده‌های پیشرفت و اصلاح جامعه: این پیش‌ران بالاترین پیش‌ران منفی در مشارکت‌های مردمی و کاهش حس مسئولیت‌پذیری ملت‌ها در قبال دشمن است.

- محور مقاومت: حضور جبهه مقاومت در سطح منطقه و وجود اهداف مشترک بین بازیگران مقاومت و تغییر موازنه قدرت در پیش‌بینی آینده امت اسلامی می‌تواند عزت و قدرت کشورهای جبهه مقاومت را در مقابل استعمارگران غربی افزایش دهد.

۲. روندها: روندها وقتی به طور منظم به وجود می‌آیند می‌توانند به صورت الگویی برای آینده‌پژوهی برای پیش‌بینی حوادث آینده به کار روند. موج دوم بیداری اسلامی را باید در چارچوب سه روند بررسی کرد: ۱. روندهای تجربی؛ ۲. روندهای ادواری؛ ۳. روندهای نوظهور.

روندهای تجربی: تجربه تاریخی مانند اندیشه‌های بیداری سید جمال‌الدین در ۱۵۰ سال پیش نشان‌دهنده وجود اندیشه‌های مقاومت اسلامی میان مسلمانان است. از سویی وقوع انقلاب اسلامی و روندهای ناشی از آن را می‌توان نقطه آغاز تجربه جنبش مقاومت و قیام میان امت اسلامی دانست.

برای ساختن آینده مطلوب و پیش‌بینی آینده مرجح باید گذشته را روشن و درست شناخت و از آن به عنوان تجربه در تصویرسازی از آینده استفاده کرد. مقاومت در دفاع مقدس، مقاومت در مقابل استعمارگران خارجی، بسیجی‌گری و روحیه جهادی، انقلاب علمی و فناوری، مردم‌سالاری دینی، حضور جمعی و مشارکت مردمی در همه زمینه‌های سیاسی، فرهنگی و ... و افزایش معنویت و اخلاق را می‌توان از تجربه‌های گام اول بیداری اسلامی دانست که توانست

در سطح داخلی یا سطح خارجی تأثیر بسزایی بگذارد و در نتیجه شاهد بیداری اسلامی در سایر کشورهای اسلامی و تشکیل جبهه مقاومت در منطقه هستیم که از نمونه‌های بارز تأثیر انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی (ره) است. (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۷: ۲۵) نمونه دیگر روندهای ناشی از صراحت و شجاعت جمهوری اسلامی ایران در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی است. مقاومت ایران در برابر فشارهای بین‌المللی به رهبری آمریکا، یکی از منابع الهام‌بخش حرکت‌ها و جنبش‌های اسلامی در منطقه بوده و هست و این روند می‌تواند در کسب توجه و حمایت افکار عمومی جهان اسلام بسیار تأثیرگذار باشد.

روندهای ادواری: اقدامات استعمارگران غربی و دست‌نشانده‌های آنان با هدف اسلام‌ستیزی و شیعه‌هراسی در فرایند عملکرد دشمنان ایران همیشه در حال اجراست. این اقدام از گذشته وجود داشته و در آینده نیز ادامه خواهد داشت. شناخت این مجموعه روندهای ادواری بسیار حائز اهمیت است. مقاومت در آینده با مجموعه‌ای از این روندها از سوی دشمنان مواجه خواهد بود. یکی دیگر از نمونه‌های روندهای ادواری گسترش شبکه‌های اجتماعی و آگاهی سیاسی و اسلامی افکار عمومی کشورهای منطقه است. یکی از عوامل شکل‌گیری، تشدید و گسترش تحولات انقلابی منطقه در دهه اخیر، نقش رسانه‌های جمعی جدید، اینترنت و شبکه‌های مجازی و اجتماعی بود. تأثیر رسانه‌های جمعی، به ویژه شبکه‌های اجتماعی در آگاهی و الهام‌بخشی سریع تحولات انقلابی در کشورهای منطقه انکارناپذیر است.

روندهای نوظهور: ممکن است فناوری جدید در آینده زمینه‌ساز تحولاتی شود که پیش‌بینی‌ها را کاملاً تحت تأثیر قرار دهد. چنین حوادث نوظهوری دارای ماهیت جدید، بدون تجربه تاریخی و علمی هستند. در گام دوم، با وجود اقدام‌هایی در تمدن‌سازی اسلامی در سطح جهانی، آغاز عصر نوین در طراحی اندیشه نظام اسلامی در کشورهای لیبرالی و سرمایه‌داری به دست نسل جدید مطرح است؛ ولی موضوعاتی مانند آزادی، اخلاق، معنویت و عقلانیت و ... در چشم‌اندازهای آینده بر اساس فناوری جدید، در نظریه نظام انقلابی قابل بررسی و تحلیل است. برای مثال، حوادث نوظهور طبیعی مثل کرونا می‌تواند در سبک زندگی فردی - اجتماعی تغییراتی به وجود آورد و انسان‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. (خرمشاد، ۱۳۹۱: ۲۸-۳۴)

یکی از روندهای نوظهور آینده که پیش‌بینی می‌شود کاهش نفوذ آمریکا در منطقه است. اگر چه آمریکا همچنان یکی از بازیگران خارجی و صاحب‌نفوذ سیاسی و نظامی منطقه

است، اما حدود یک دهه اخیر با کاهش توجه آمریکا و سیاست گردش به شرق واشنگتن، روند کاهش نفوذ آمریکا در منطقه آغاز شده است که حتی به تبع آن، تحولاتی در سیاست خارجی متحدان سنتی آمریکا در منطقه رخ داده و آنها هم به دنبال افزایش شرکای خود در روابط خارجی هستند.

چالش مفهومی: مفهوم بیداری اسلامی از ابتدا محور مقاومت را با چالش مواجه کرد. همان زمان که مفهوم بیداری اسلامی مطرح شد، عده‌ای اعتراض کردند که چرا این مفهوم را «بیداری اسلامی» نامیده‌اند، در حالی که نمی‌دانیم این تحولات به کجا ختم می‌شود. برخی معتقد بودند رهبری استفاده از مفهوم بیداری اسلامی را به اعتبار «ما کان» نگفتند، بلکه به اعتبار «ما یكون» گفتند؛ بنابراین رهبری دارند خط را مشخص می‌کنند که بروید تا این بشود. نمی‌گویید این همان است که ما می‌خواهیم. اگر با این نگاه جلو برویم، بحث‌ها و مفهوم‌سازی متفاوت می‌شود؛ چون قرار است در آینده نظام معنایی بیداری اسلامی در عمل ساخته و به نوعی خط‌مشی آن مشخص شود. در مفهوم‌سازی ملت‌ها نکته کلیدی کارآمدی است. نسل جدید نمی‌خواهند خود را درگیر این مسئله کنند که ایدئولوژی این کشورها چیست یا تئوری مورد استفاده آنها چیست. برای نسل جدید فرقی ندارد که این دولت رفاهی است، لیبرال است، نئولیبرال است و ... برای آنها کارآمدی این دولت‌ها مهم است. آنچه آنها فهمیدند این بود که حکومت‌شان کارآمد نیست و به این موضوع اعتراض کردند. حال شما می‌توانید این اعتراض به ناکارآمدی و نبود آزادی‌های سیاسی و اجتماعی را که نسل جدید بر نمی‌تابد، «بیداری اسلامی»، «بهار عربی»، «انقلاب فیس‌بوکی» یا هر اسم دیگر تعبیر کنید. مهم نیست چه نامی انتخاب می‌کنید، بلکه مهم این است که نسل جدید از چه چیزی به ستوه آمده است و به چه چیزی اعتراض می‌کند.

چالش الگویی مورد اقبال مردمی: سؤال اساسی در موج دوم بیداری این است که کدام الگو از حکومت اسلامی به عنوان یک الگوی موفق در مقابل این جوامع گذاشته شده است تا آنها بیداری اسلامی کنند؟ به کجا باید برسند؟ الگوی آنها چیست؟ یک الگو، داعش و القاعده هستند. عملاً اگر بیداری اسلامی در جهان اهل سنت بخواهد به سمت احیای ارزش‌های اهل سنت برود، یا باید خلافت احیا شود یا به التکفیر و الهجره ختم شود. علت انحرافات که در پی بیداری اسلامی در جهان اسلام رخ داد این بود که سنی‌ها ناتوان عمل کردند. برای مثال در تونس راشد الغنوشی نتوانست به خوبی مدیریت کند و جنبش اسلام‌گرای

«النهضة» به رهبری راشد الغنوشی به سرعت با کاهش موقعیت اجتماعی مواجه شد. سؤال این است که چه چالش‌ها و آسیب‌های عمده‌ای موجب شد حرکت بیداری اسلامی در تونس به انحراف کشیده شود و به نقطه اوج و هدف اصلی خود که همان دگرگونی بنیادین در ساختار قدرت حاکم در این کشور بود، نائل نشود؟ (آجیلی، ۱۳۹۹: ۱۶)

همین مسئله و سؤال‌ها برای مرسی در مصر و ترابی در سودان و همچنین تندروهای طالبان، القاعده، داعش و ... که نمونه‌هایی از حرکت‌های اهل سنت بودند، مصداق دارد. بنابراین سنی‌ها در الگوی درست و مرتب برای حکومت‌داری مسئله دارند. اگر بر مبنای قرائت شیعی باشد، باید جمهوری اسلامی را به عنوان الگو نشان داد. اما جمهوری اسلامی ایران به عنوان الگوی مطلوب با چالش‌هایی مواجه است. سؤال این است که آیا امروز می‌توان جمهوری اسلامی را به عنوان الگوی بیداری اسلامی برای نسل جدید کشورهای اسلامی معرفی کرد؟ آیا می‌توان مدل حکومتی جمهوری اسلامی در صحنه واقعیت‌های اجتماعی را به عنوان الگو معرفی کرد و اذعان داشت منظور از بیداری اسلامی همان اسلامی است که در ایران وجود دارد؟ در پاسخ به این سؤال، تفسیر برخی الگوی مطلوب متوجه اردوغان می‌شود که هم اسلامش سیاسی است، هم اهل سنت است و هم ترکیه را توسعه داده است. بسیاری از جریان‌های منطقه‌ای و نسل‌های جدید از جوانان به همین نگاه ترکیه‌گرایش پیدا کرده‌اند. شاید یکی از چالش‌های مفهومی بیداری اسلامی برای ایران و محور مقاومت این است که شعار بیداری اسلامی در محیط عملیاتی این کشورها منعکس می‌شود، اما میوه آن را ترکیه می‌چیند و کاربرد این مفهوم تبلیغی است برای ترکیه در جهان اسلام.

مجموعه چالش‌های مورد تأکید امام خمینی نیز در موج دوم بیداری اسلامی درخور توجه است که به اختصار اشاره می‌شود. آینده‌پژوهان و کارشناسان باید این چالش‌ها را به سناریوهایی برای آینده مقاومت تبدیل کنند.

زایش دوباره اسلام

در این سناریو جهان اسلام دوباره رونق و برکت فکری و فرهنگی در عرصه جهانی خواهد داشت. این سناریو زمانی محقق می‌شود که

نخست، ایران به عنوان نقطه کانونی جریان‌های بیداری اسلامی در حمایت از این جریان‌ها نقش فعال و هوشمندانه‌ای داشته باشد.

دوم، از همه ظرفیت‌های دنیای مدرن برای اشاعه و پخش فرهنگ اسلامی در جهان معاصر استفاده شود.

سوم، همه گروه‌ها و امت‌ها برای هدف اصلی خود که رسیدن به تمدن نوین است، اقبال نشان دهند.

اما در خصوص اسلام‌خواهی باید به نکاتی توجه کرد. اگر به سمت اسلام‌خواهی حرکت کرد، مقصود کدام اسلام است؟ نسبت آن با اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی چیست؟ آیا این اسلام‌خواهی مطلوب جمهوری اسلامی هست یا خیر؟ بنابراین در این سناریو که منطقه به سمت اسلام حرکت کند، لزوماً منافع ایدئولوژیک ما نهفته نیست. ممکن است در بعضی جاها به سمت سکولاریسم حرکت کند. برای مثال در ترکیه آنچه قبل از حاکمیت حزب عدالت و توسعه وجود داشت، سیستمی لائیک بود. زمانی که حزب عدالت و توسعه روی کار آمد، اسلامی سیاسی را روی کار آورد که به لحاظ اقتصادی و توسعه، کارآمدی حداقلی را نشان داده است. این حزب از ۲۰۰۲ تا کنون در قدرت است. آنها رهبر دینی نیستند، بلکه دولت منتخب‌اند. هیجده سال با انتخابات روی کار بودن، به معنای کارآمدی است.

موج دوم بیداری اسلامی چگونه تحقق می‌یابد (خیابانی، رسانه‌ای، حزبی یا نخبگانی)؟

حرکت‌ها و جنبش‌هایی که در ۱۰ سال اخیر در برخی کشورهای منطقه (غرب آسیا و آفریقا) شکل گرفتند، عموماً به صورت خیابانی و تظاهرات و تجمع در میدان‌ها و خیابان‌ها و نقاط مختلف شهرها بوده‌اند. در برخی کشورها از جمله تونس و مصر، این حرکت‌ها موفق بودند و توانستند نظام مستقر را به عقب‌نشینی و تزلزل و حتی سقوط بکشانند (هرچند ممکن است آن نظام‌ها دوباره بازسازی شده باشند). در برخی کشورها هم این حرکت‌ها موفق نبودند، مثل بحرین. با این حال به نظر می‌رسد در آینده، حرکت‌ها و جنبش‌های جهان اسلام دچار تغییراتی شوند. شاید بهتر باشد بگوییم ترکیبی از همه انواع خیابانی، رسانه‌ای، حزبی و نخبگانی در آینده در این کشورها نقش خواهند داشت. به نظر می‌رسد به تدریج جنبش‌های اسلامی، از حرکت‌های خیابانی به سمت و سوی مبارزات و فعالیت‌های رسانه‌ای، سیاسی و حزبی روی بیاورند. البته در بیشتر کشورهای اسلامی، فعالیت احزاب، چندان آزاد نیست اما با توجه به تغییر و تحولات دنیا و فشار کشورهای غربی و نیز توقعات مردم در همین کشورها برای افزایش مشارکت، حکومت‌ها چاره‌ای جز قبول برخی تغییرات



و دادن امتیازات به مردم ندارند. برای نمونه می‌توان به عربستان سعودی اشاره کرد که ولیعهد این کشور اصلاحات (یا شبه‌اصلاحاتی) را پیش گرفته تا حدی که با مخالفت برخی شخصیت‌ها و جریان‌های سلفی و محافظه‌کار سعودی نیز مواجه شده است.

حتی اگر این قبیل رفتارها را نمایشی و تبلیغاتی به منظور عقب انداختن تحولات اساسی در این کشورها بدانیم، اما بدون شک این کشورها متوجه شده‌اند که دیگر همچون سابق نمی‌توانند به صورت سنتی و ارباب-رعیتی بر مردم حکومت کنند و خطر حرکت‌های مردمی مثل جبهه مقاومت به گوش کاخ‌نشینان و حاکمان رسیده است. بنابراین از طریق برخی اصلاحات (ظاهری یا واقعی) سعی می‌کنند نارضایتی‌های بالقوه مردم را کاهش دهند. البته این‌گونه اصلاحات در برخی کشورها ممکن است موجب رضایت مردم نشود. برای مثال پادشاهی بحرین همچنان به سیاست سرکوب و انزوای شیعیان و رهبران مذهبی و سیاسی این کشور ادامه می‌دهد. در بحرین، مخالفان آل خلیفه بیشتر به سمت فعالیت‌های سیاسی، تبلیغاتی و حقوق بشری روی آورده‌اند، زیرا تجمعات خیابانی به شدت سرکوب و حتی برخی رهبران مذهبی نیز به راحتی سلب تابعیت شده‌اند.

به نظر می‌رسد موج دوم بیداری اسلامی بیشتر به سمت حرکت‌های اجتماعی و فشارهای سیاسی، رسانه‌ای و تبلیغاتی و حتی فشار برخی کشورهای غربی (البته با نگاه ابزاری خودشان) برود و کمتر شاهد حرکت‌های خیابانی باشد. در واقع رسانه‌ها به عنوان ابزار نوین در تحلیل و تبیین بیداری اسلامی در موج دوم مانند موتور محرک عمل می‌کنند. رسانه‌ها گاه به عنوان شوک محرک مثبت در پیشبرد اهداف موج بیداری کارکرد مسئولانه دارند و گاهی به عنوان شوک محرک منفی تهدیدکننده برای آینده مطلوب هستند و انحرافات اندیشه‌ای و عقیده‌ای میان مسلمانان ایجاد می‌کنند.

عمده اعتراضاتی که در این دوره صورت گرفت و ممکن است تکرار شود، اعتراض به ناکارآمدی دولت‌ها، فساد و دیکتاتوری دولت‌هاست. افرادی که از طریق فضای فیس‌بوک، توئیتر، ماهواره و ... با غرب آشنا شده‌اند، اقدام به مقایسه می‌کنند. آنها کارآمدی غرب را که در فضای مجازی یا ماهواره دیده‌اند با دولت‌های خود مقایسه و مشاهده می‌کنند دولت‌های خودشان چقدر از زمانه فاصله گرفته‌اند. زمانی که دولتی از جامعه‌ای عقب بیفتد، دچار بحران اجتماعی، سیاسی و ... می‌شود. دولت‌ها همیشه باید همگام با جامعه جلو بروند یا از جامعه جلوتر باشند. دولت‌ها باید نیازهای اجتماعی، نیازهای نسل جدید، دغدغه‌ها و ... را بشناسد.

یک گفتمان غالب رسمی و یک گفتمان غیررسمی وجود دارد. گفتمان رسمی غالبی که برای مثال در مصر، تونس و ... بود، همراه و همگام با تغییر ذائقه جامعه حرکت نکرده بود. ذائقه نسل های جدید عوض شده بود. نسل جوان می خواست در رأی دادن مشارکت کند، می خواست نهادهای غیر رسمی و سمن ها وجود داشته باشد، می خواست رئیس جمهور مادام العمر نباشد و ... حرکت اعتراضی نسل جدید در چارچوب شبکه های مجازی تعقیب می شد. ماهواره و فضای مجازی این امکان را در اختیار نسل جوان قرار می دهد که بیشتر آگاه شوند و مطالبات خود را از طریق رسانه ها دنبال کنند. نسل جدید زمانی که آگاه شود، دیگر بر نمی تابد. بیشتر معترضین اخیر عراقی نسل جوان بودند که اداره کشور به صورت سیستم سنتی را بر نمی تابند. شیخوخیت دیگر معنایی برای نسل های جوان ندارد. زمانی که دولتی یا حاکمیتی از زمانه خود عقب بماند دچار بحران سیاسی و اجتماعی می شود.



## منابع و مأخذ

- آجیلی، هادی، «سناریوهای محتمل پیش روی بیداری اسلامی و راهکارهای متناسب هر سناریو»، صورتجلسه پنجم کارگروه اندیشه، ۱۳۹۹/۴/۴.
- افتخاری، لاله، «هویت مشترک و بیداری اسلامی»، خبرگزاری تقریب، ۱۳۹۱.
- اکبری، بهمن، «سناریوهای محتمل پیش روی بیداری اسلامی و بررسی راهکارهای متناسب هر سناریو»، صورتجلسه پنجم کارگروه اندیشه، ۱۳۹۹/۴/۴.
- ایروانی، زهرا و همکاران، «روان‌شناسی پیش‌ران‌های مؤثر بر گفتمان انقلاب اسلامی ایران در افق ۲۵ ساله»، فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۵، ش ۲، ۱۳۹۸.
- ثابت، علی، «زمنه‌ها، ماهیت و چیستی موج دوم بیداری اسلامی»، صورتجلسه اول کارگروه اندیشه، ۱۳۹۹/۲/۲۴.
- حاجی سیاری، مهدی، «توصیه‌های راهبردی کشور تونس برای تداوم بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۷، ش ۲، ۱۳۹۷.
- خامنه‌ای، سیدعلی، «بیانیه گام دوم»، ۱۳۹۷.
- خانی، حسین، «خیزش‌های اسلامی در جهان عرب: ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۳، ش ۴، ۱۳۹۲.
- خرشاد، محمدباقر، «تمدن اسلامی - ایرانی الهام‌بخشی موج سوم بیداری اسلامی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۲۸، ۱۳۹۱.
- صالحی، حمید، «موج النهضه از منظر بیداری اسلامی و احیای هویت دینی»، فصلنامه راهبرد و سیاست، س ۳، ش ۱۱، ۱۳۹۳.
- عطار، سعید و آرش سعیدی راد، «آینده سوریه و فرصت‌ها و چالش‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۸، ش ۲۸، ۱۳۹۷.
- عیوضی، محمدرحیم، «آینده‌پژوهی سیاسی»، فصلنامه راهبرد، س ۲۵، ش ۷۹، ۱۳۹۵.
- قربانی، مصطفی، «تحولات نظام بین‌الملل، ژئوپلیتیک خاورمیانه و سیاست خارجی ایران»، پنجمین همایش بین‌المللی نظام بین‌الملل، تحولات منطقه‌ای و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه علامه طباطبایی، بهمن ۹۸.
- موسوی، سید امیر، «بررسی چالش‌ها و تهدیدهای پیش‌روی موج دوم بیداری اسلامی»، صورتجلسه دوم کارگروه اندیشه، ۱۳۹۹/۲/۳۱.
- موسوی، سید امیر، «سناریوهای محتمل پیش روی بیداری اسلامی»، صورتجلسه چهارم کارگروه اندیشه، ۱۳۹۹/۴/۴.
- موسوی، سید امیر، «سناریوهای محتمل پیش‌روی بیداری اسلامی و راهکارهای متناسب هر سناریو»، صورتجلسه پنجم کارگروه اندیشه، ۱۳۹۹/۴/۴.
- ناظمی اردکانی، مهدی و همکاران، «مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در جهان اسلام»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان، س ۷، ش ۲، ۱۳۹۷.